هم میهنان :
مرتجعین می خواهند با سانسور مطبوعات مردم را در بی خبری نگهدارند .
تا روزنامه‌های دیواری و یا با هر وسیله دیگر مردم را از حقایقی که در میهنمان می گذرد ، مطلع سازید .

کار

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸

سال اول ـ شماره ۳۳ | سازمان چریکهای فدائی خلق ایران | قیمت با ضمیمه ۲۰ ریال

با قرار گرفتن چمران در راس نیروهای مسلح مرتجع ترین جناح هیات حاکمه قدرت سیاسی را قبضه کرد

● ترمیم مجدد کابینه نشان دهنده بحرانی است که قدرت سیاسی حاکم با آن روبروست.

● دعوا بر سر این است که سرمایه‌داری وابسته با پوشش "آبرومندانه" ترمیم شود ، یا ایران ۱۴۰۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه تحقق یابد .

ترمیم مجدد کابینه نشان از هرج و مرج بین جناحهای مختلف هیات حاکمه نشان دهنده بحرانی است که قدرت سیاسی مرتجعین قشری ، لیبرالها و عوامل چهره حاکم با آن روبروست .
۱ـ بحران ناشی از مبارزه سیاسی عوض کرده رژیم سابق .

بقیه در صفحه ۲

بدنبال تصویب ولایت فقیه
خیمه شب بازی در مجلس خبرگان وضع مضحکی به خود گرفته است

این روزها " خبرگان " مجلس بررسی قانون اساسی خیلی "زرنگ" شده‌اند و در هر جلسه سه چهار اصل به اصطلاح " قانون اساسی " مرتجعین بندی می شنند . گویا اولین امور از نحوه جریان این مجلس فلابی هم چندان راضی نبوده و می خواهند هرچه زودتر سروته این خیمه شب بازی را هم بیاورند . شاید اگر می توانستند همه اصول قانون اساسی مورد نظرشان (طرحی را که آقای منتظری در کیهان منتشر کرد) را بصورت ماده واحده با یک قیام و قعود به تصویب می رساندند و به یکباره از شر همین جلسات

بقیه در صفحه ۷

چرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها تبلیغ می‌کنند ؟

این روزها خیلی از شورا صحبت می‌شود . رادیو را که باز می‌کنی ، تلویزیون را که روشن می‌کنی ، در سخنرانی‌های متعددی که از طرف سخنرانان مختلف به عناوین مختلف ایراد می‌شود ، هر روزنامه‌ای را که باز می‌کنی ، همه و همه دستگاههای تبلیغاتی دولت ، از شورا صحبت می‌کنند و سعی دارند شورا را (البته به آن صورتی که مورد نظر

بقیه در صفحه ۳

کنفرانس وحدت با موضعگیری سیاسی خود در کردستان با ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه همصدا شده است . (قسمت دوم)

مساله ملی در کردستان
از مبارزه طبقاتی خلق کُرد جدا نیست

* حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک با گرایش لیبرالیستی است که عمدتا متکی به اقشار متوسط خلق کرد است .

در صفحه ۶

هموطنان مبارز :
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که همواره به حمایت مردم قهرمان میهن تکیه داشته است ، امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند پشتیبانی شماست .
کمکهای مالی خود را به حساب شماره ۳۲۰۹۸ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه به نام عباس فضیلت کلام واریز نمائید .

بزرگداشت دکتر رشوند سرداری

مراسم چهلمین روز شهادت دکتر مبارز ابوالقاسم رشوند سرداری را خانواده این شهید روز پنجشنبه پنجم مهر برگزار کردند . در این مراسم خانواده های شهدای چریکهای فدائی خلق ایران پیامی برای خانواده شهید رشوند سرداری فرستادند . همچنین دسته گلی نیز از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای بزرگداشت این رفیق شهید به این مراسم تقدیم شد .

سرمقاله

بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی جدید نیروها
(قسمت دوم)

سرمقاله شماره گذشته را با بررسی موضع وصف بندی نیروهای ملی ومذهبی آغاز کردیم . در این شماره در ادامه آن موضع وموقعیت فعلی وآتی نیروهای چپ را ارزیابی می کنیم .

صف نیروهای چپ در دانشگاه همیشه فعالترین نیروهای دانشجوئی را در خود جای داده است . طی سالهای ۴۹ـ۴۲ مبارزات دانشجوئی تقریبا بطور کامل تحت هدایت نیروهای چپ اداره می شد . در آن سالها نیروهای مذهبی فعال نبودند و اگر هم حرکتی از آنها به چشم می خورد در حیات جنبش دانشجوئی اثر چندانی نداشت. تنها بعد از سال ۴۹ بود که جناح مذهبی از جناح چپ جدا شد . تا آن زمان اساسا صف بندی نیروها مثل امروز شکل نگرفته بود تا هر یک با هویت ایدئولوژیک خاص خود شناخته شوند .

صف بندی امروزین نیروهای چپ محصول مرحله معینی از رشد ایدئولوژیک جنبش کمونیستی ایران وشکل گیری عقیدتی آن است و درست به همانگونه امحاء این صف بندی در درون جنبش کمونیستی که متضمن بیرون راندن جریانهای انحرافی از آن ، درون آنست به بلوغ بازهم بیشتر ایدئولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی جنبش کمونیستی ایران بستگی دارد ، که این خود گام بزرگی به سوی تشکیل حزب است . امروز در عرصه این جنبش دیگر یقین است که نیروی عمده در جنبش کمونیستی ایران ، یعنی چنین حزب طبقه کارگر ایران ، سازمان ما و مسئولیت هرنوع کوتاهی وکج اندیشی در آن زمینه مشخصا برعهدهٔ ماست . چنانچه حرکت سازمان در ماههای اخیر را بررسی کنیم ، درخواهیم یافت که این موقعیت بازهم بیشتر روبه تحکیم خواهد رفت (تنها با این شرط مهم که مبارزه ایدئولوژیک چه در سطح سازمان وچه در سطح جنبش به نحو پیگیر جریان داشته باشد) .

درمیان سایر جریانات مدعی مارکسیسم دوخط سازمان یافته دیگر در سطح دانشگاهها حضور دارند که یکی هواداران حزب توده و دیگر نیروهای وابسته به کنفرانس وحدت است .

حزب توده که تا سال ۵۵ تقریبا مرده بود از آن زمان به بعد (بعد از جدا شدن گروه منشعب از سازمان) حرکت محسوس را در سطح دانشگاهها آغاز کرد . اکنون " فضای بازسیاسی " بسیاری از توده‌ای های واقعا بازنشسته وحتی به دشمن پیوسته را از نو گرد هم آورده است . فضای سیاسی موجود ومتن دنباله روانه حزب توده و سماجت آن برای کسب حق حیات قانونی از ولایت فقیه ، موجب شده است که حزب توده بتواند جمع دوستداران فعالیت علنی وقانونی را گرد خود آورد . حزب توده سیاست پذیرش بی قید وشرط رهبری آیت الله خمینی وتائید کامل آن را پیش گرفته است و می خواهد به هرقیمت از این جمهوری اسلامی تابوتی هم به او برسد .

بقیه در صفحه ۲

تظاهرات وسیع خلق کُرد علیه ارتش و نیروهای ارتجاعی

* هرکجا پاسداران وارد می شوند مردم آنجا را ترک می کنند .

* عده‌ای از پاسداران پس از اطلاع از ماهیت جنگ با عذرخواهی از مردم کرد به شهرهای خود بازگشتند .

* ارتش تعدادی از پاسداران را به جای خلق کرد گلوله باران کرد و ۱۱ نفر از آنان را کشت .

فاجعه کشتار روستائیان " قارنا " به اندازه‌ای بزرگ بود که حتی صدای خود فاجعه آفرینان هم بلند شد . همه مردم جهان به خاطر دارند ، امپریالیسم امریکا با تمام جنایاتی که در ویتنام مرتکب شد ، زیر فشار افکار عمومی نتوانست نسبت به جنایاتی که عوامل مزدورش در دهکده "مای لای" مرتکب شدند ، ساکت بنشیند . این بود که برای فریب توده ها یک دادگاه نمایشی تشکیل داد و مزدوران خود را به محاکمه کشید و ستوان کالی را که در اصل مجری نقشه‌های خودشان بود ، بعنوان عامل اصلی این جنایت به دو سال زندان محکوم کرد .

و حالا نیز عادی خلخالی ، جلاد ارتجاع که به عنوان حاکم شرع به جنایات بی شماری در کردستان دست می زند نتوانسته است زیر فشار نیروهای مبارز در مورد فاجعه " قارنا " سکوت کند ، او برای فریب توده ها و در حالی که اشک تمساح می ریزد تلگرافی برای آیت الله خمینی ارسال داشته و ضمن آن چند نفر از مرتجعین منطقه را که در راس آنها ملا حسنی جنایتکار ارومیه ای قرار دارد ، به عنوان

بقیه در صفحه ۲

شاه دیگری رفت اما این بار نیز ...

هفته گذشته در حالی که بوکاسا امپراطور افریقای مرکزی به سفر خویش از لیبی پایان می داد توسط یکی از همکاران سابقش به نام "دیوید داکو" با کمک کودتاچی آرام برکنار شد . کودتاچیان از همان اولین بیانیه‌هائی که صادر کردند صراحتا به وجود همکاری و همفکری میان خود و امپریالیسم فرانسه در طرح برنامه

بقیه در صفحه ۳

دادستان انقلاب اسلامی :

" از نظر اسلام جامعه بی طبقه یک لفظ فریبنده است "

آقای آذری قمی دادستان کل انقلاب اسلامی پس از همه بگیر و ببندها و دستوراتی که برای اعمال سانسور ، تعطیل مطبوعات آزاد و برچیدن دفاتر سازمانهای انقلابی و مبارز صادر کرد و پس از همه اقداماتی که به منظور محو کامل نهادهای دموکراتیک انجام داد ، در جریان استعفای خود که هنوز هم از چند و چون آن خبری نیست بالاخره حرف آخر را از دو پرده از روی دیدگاه خود نسبت به "جامعه بی طبقه" برداشت و ضمن اینکه با صراحت کامل اعلام کرد اساسا "جامعه بی طبقه" با "اقتصاد اسلامی" هیچ گونه انطباقی ندارد ، دشمنی و عناد خود را نیز از "جامعه بی طبقه" پوشیده نساخت . او در این گفتار نشان داد که نه تنها با برقراری "جامعه بی طبقه" و از میان رفتن استثمار نیروهای زحمتکش شدیدا مخالف است ، بلکه باید گفت حتی تحمل شنیدن اسم آنرا هم ندارد . آذری قمی ضمن ابراز تنفر خود از "جامعه بی طبقه" با استناد به موازین اسلام و اقتصاد اسلامی گفت :

"بعضی‌ها می گویند اسلام و اقتصاد اسلامی مبتنی بر جامعه بی طبقه است یعنی افراد از نظر دارائی و ثروت و از نظر مالکیت همه باید در عرض هم باشند این لفظ فریبنده است که متاسفانه از بعضی عمامه بسرها هم من شنیده‌ام . . . اسلام از این غریزه استفاده کرده که انسان کاری انجام بدهد و نتیجه این

بقیه در صفحه ۲

علی محمد عرب

" نماینده کارگران ایران در مجلس خبرگان " را بشناسیم

آقای علی محمد عرب با ارتجاعی ترین جناح مجلس به تبانی پرداخته تا برای درهم کوبیدن حتی ساده‌ترین ارگانهای صنفی کارگری اصول وقوانینی دست وپا کند .

در رژیم سابق رسم بر این بود که تنها ساواکی‌ها و عناصر کاملا وابسته به آن حق ورود به مجلس را داشتند . مردم نیز به این مسئله واقف بودند . بنابراین نه رای می دادند و نه برای وکیل جماعت تره خورد می کردند . اما بعد از قیام و استقرار حاکمیت جدید ظاهرا همه

بقیه در صفحه ۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۳۳ صفحه ۲

بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی . . .

بقیه از صفحه ۱

(غافل ازاینکه تنگ نظری ولایت فقیه برای جاکردن حزب توده سرودست آن راهم اره خواهدکرد) . بیانیه‌های اخیر حزب توده درباره اوضاع کشور، بیانگر یاس وسرخوردگی وزبونی کریه وچندش آورکسی است که تمام تلاشهایش برای جلب عطوفت حضرات ناکام مانده وبااین همه بازهم دربرابر این فجایع سکوت را توصیه می کند.

شک نیست که حزب توده بااین سیاستی که درپیش دارد درسال جاری نسبت به سال گذشته وبخصوص سالهای قبل رشدکرده واکثر مارکسیست های قانونی طرفدارشوروی رادرخود جای خواهدداد

اساس حرکت حزب توده برفعالیت علنی نهاده شده است ودراین راه حاضر است به هرکاری تن دردهد، که البته باتوجه به پشتوانه قدرت نیروهای دموکرات ومترقی (که دردانشگاهها مشخصا قابل ملاحظه است) وتضادهای درون رژیم و آشفتگی های ناشی ازآن که امکان فعالیت علنی برای همه نیروها تاحدودی می تواند وجودداشته باشد، توده‌ای هاهم طبعتاازآن منتفع خواهند شد وبه حیات خود همچنان ادامه خواهند داد. سیاست آنان ازقیام تاکنون عمده کردن مبارزه علیه لیبرال هاوکوشش درجلب عطوفت وسازش باطرفداران ولایت فقیه بوده است وازآنجاکه نیروی عمده سرکوب چپ درشرایط فعلی نه لیبرالها بلکه همین جناح قشری افراطی بوده است لذا توده‌ای هاموافقربهانه‌کوشیده اند اعمال ضدمردمی مرتجعین قشری حاکم رادرسرکوب آزادی ها، کشتارخلقهاوغیره ازچشم مردم بپوشانندوآن راکار صهیونیستهاوعمال مزدور امریکاء معرفی کنند واین آشکارترین نوع موافقربهی است. بگذریم. ازاین نظر رشد تضادهای درونی حزب توده برسر سیاست وی دربرخوردباحاکمیت محتمل ترین آینده‌ای است که درانتظار آنهاست.

ماهموارہ موظفیم موضع توده‌ای هادردانشگاه ومواقب سیاست آنان رابطور موشکافانه ودقیق برای نیروهاتشریح کنیم. سیاستی که سمت اصلی آن تحمیق توده‌ها، پنهان کردن مرزبندی طبقات وعوامل اصلی به شکست کشاندن انقلاب، نیروی عمده سرکوب خلق درشرایط فعلی وکوشش بی دریغ برای تقویت جبهه ارتجاع است. حزب توده نظر به موضعی که دربرابر حاکمیت ارتجاعی کنونی داردعملا درجنبش دموکراتیک خلق جایی ندارد. تجربه گذشته و پیش بینی آینده حاکی ازآن است که انزوای حزب توده همچنان ادامه خواهد یافت. بگونه‌ای که این حزب قطعاموفق نخواهد شدباسایر نیروهای سیاسی اپوزیسیون ازهرقبیل که باشداتحاد نیرو کند.

تحلیل ازسایرنیروها درشماره آینده تمام خواهدشد.

با قرارگرفتن چمران در راس نیروهای مسلح . . .

بقیه از صفحه ۱

۲ـ بحران فزاینده ولاعلاجی که اقتصادسرمایه‌داری وابسته ایران را در خود فروبرده‌که وجه بارزآن تورم وبیکاری است.

۳ـ سیر رشدیابنده اعتراض توده زحمتکشان وبه ویژه کارگران به گرانی، اخراج وبیکاری.

۴ـ بحران ناشی ازادامه نهضت مقاومت درکردستان واعمال قهردلاورانه خلق کرددربرابر این فجایع.

اینها مجموعه عواملی هستندکه اساس ترمیم کابینه راتوضیح می دهند.

جناحهائی ازدولت همانند نزیه ومعین فر وبازرگان که برای تقویت نظام سرمایه‌داری وابسته خبره تر هستند معتقدندسیاستهائی که روحانیت درپیش گرفته‌است (مثل افتضاحاتی که‌خلخالی درکردستان به راه‌انداخت وتنفروانزجار همگان رابرانگیخت یااقدامات "ناشیانه" اشراقی درشرکت نفت) فقط به سود دشمنان حکومت تمام می شود. آنها می گویند:

"آخوندکه‌نمی تواند مملکت‌راداره کند" وروحانیت درجواب می‌گوید:

" اینهانمی گذارند اسلام تحقق پیداکند". "ودراین میان جالب است هر یک دیگری رامتهم می کند که سیاست تو به سود کمونیستها تمام می شود. اتهامی که خود به روشنی هرچه‌تمامتر ماهیت ضدکارگری کل حکومت رابه‌اثبات می رساند. دراینجادعوابرسراین است که سرمایه‌داری وابسته باپوشش " آبرومندانه "ترمیم شود، یااین ۱۴۰۰ سال به عقب برگرددوولایت‌فقیه که به جامعه نامتکامل فئودالی تعلق‌دارد تحقق یابد؟حکومتی که‌همان آرمان وایده آل دیرینه دستگاه روحانیت‌حاکم وبهترین تامین کننده منافع آن است.

بارفتن‌نزیه وآمدن معین فرهیچ تعادلی‌دراین زمینه برهم نخورده وهیچ چیز عوض نشده است. این کشمکش تنها یک باردیگر واقعیت تضادهای درون سیستم حاکم رابرملا ساخت.

چمران دست پرورده امپریالیستهای امریکائی و یکی ازعوامل کشتارخلق‌کرد

* درمیان تغییراتی که دربخشهائی از کابینه دولت موقت انجام شد، قرار گرفتن چمران درراس وزارت‌دفاع ازهمه بیشتر خشم توده های‌آگاه رابرانگیخت. این انتخاب نشان می دهدکه‌مرتجعترین جناح هیات حاکمه، جناحی که‌کشتار خلق کردراوسیله تحکیم موفقیت خود ساخته بود، حساسترین‌رکن‌قدرت‌سیاسی یعنی فرماندهی نیروهای مسلح‌راقبضه کرده است. چمران بالشخصه مطرح نیست. روی کار آمدن اوچهره واقعی حکومت وسمت گیری آینده آن رانشان می دهد. تصادفی نیست که چمران این‌تربیت شده دست امپریالیستهای امریکائی وزمینه ساز کشتار تل زعتر و دشمن شناخته شده خلق فلسطین امروز به مقام وزارت‌دفاع برگزیده می شود. این سرنوشت محتوم دولتی است‌که‌ترمیم خرابی های سیستم‌سرمایه‌داری وابسته را وجهه همت خود ساخته است. این مسیر طبیعی وقایع است که پیش می رود.

آن بخش ازروحانیت ودولت که درمجموع حکومت رادردست دارند، طبق نشانه‌هائی‌که دردست است درعین حال که به عواقب خطرناک جنایاتی که‌در کردستان به راه انداخته اند پی‌برده‌اند، بنابه ماهیتی که‌دارند سیاست ضدخلقی سرکوب وکشتارخلق کردراادامه‌خواهند دادوقرارگرفتن چمران‌جنایتکار، این مهره اصلی تحمیل وادامه جنگ در کردستان درمقام وزارت دفاع وهمچنین موافقربهی وسیعی که برای دریادارمدنی رضاخان آینده، ویکی دیگر ازعوامل سرکوب خلق عرب برای ریاست جمهوری صورت می‌گیرد، خودبیانگر این ماهیت حکومت است.

لشکر کشی به کردستان وبه ویژه جنایات فجیعی که درآنجا صورت گرفت دررشد آگاهی مردم نسبت به ماهیت حکومت تاثیرات مثبتی ازخود برجای نهاد. آن تب وتاب اولیه‌ای که میان گروههائی ازمردم به حمایت ازرژیم وجود داشت به میزان چشمگیری فروکش کرده است، بعلاوه رژیم بااین روشی که درکردستان درپیش گرفت وبن بستهائی که بنابه خصلت های ارتجاعی‌خودایجاد کردخود رادرباطلاقی فروبرده است که نجات از آن دیگربه این سادگی هامیسر نیست. ولی به‌هرحال آثار نگرانی‌از ادامه ورشد نهضت مقاومت درکردستان تمام لایه‌های حکومت رافراگرفته است رژیم آشکارادربرابر اعمال ننگینی که در کردستان مرتکب‌شده‌است به‌موضع تدافعی افتاده ودربرابر توده مردم‌کارهای خود وتوسل به این جنایات رالاپوشانی و توجیه می کند.

باتغییرات دروزارت کار می خواهند افزایش‌ناچیزی‌را که قراربود درحداقل دستمزدهابه وجود بیاید مسکوت بگذارند.

* تحت فشارهاومبارزات‌وسیع کارگران که عمدتاازطریق شوراهاصورت می گیرد، وزارت کارمجبور شدبه تعیین یک حداقل دستمزد معادل روزانه ۵۶۷ ریال تن دردهد. این حداقل بنابه محاسبه "کارشناسان "برای گذران زندگی یک خانواده با۲ فرزند درشرایط فعلی ۱۳۳ـ ریال کسرداردوتازه باتورم سرسام‌آور فعلی وافزایش قیمتها، اثرهرنوع اضافه دستمزدی فورا خنثی شده ودر عمل دستمزد واقعی‌کاهش می یابدوازحداقل سابق هم کمتر می شود. (هم‌اکنون دولت به‌دلایل مسخره وواقعامضحک ۵۰% برنرخ لبنیات افزوده است) بااین همه از آنجاکه این دولت یک دولت‌سرمایه‌داری است اجرای این حداقل دستمزدرا هم معوق گذاشت وتحت فشار میلیونها کارگروتحت تاثیر تضادهای بین جناحهای حاکم داربوش فروهر وزیرکار برکنار شد. البته نباید تصورکنیم که داربوش‌فروهربه‌منظورتامین‌کردن‌منافع کارگران، روی‌افزایش‌حداقل‌دستمزد پافشاری نشان می داد، بلکه این دقیقا ازماهیت لیبرالیستی اش ناشی می شدکه تصورمی کردباین وسیله می تواند ازاعتلاء وگسترش مبارزات سراسری‌کارگران‌بکاهدوباتوجه کردن ظاهری‌به‌خواستهای‌صنفی‌کارگران‌وبالا ـ بردن‌مبلغ ناچیزی‌به‌درآمدشان‌آنهارا از مبارزات بی امان علیه سرمایه داری بازدارد. اماحاکمیت موجود به‌گونه دیگری عمل می کند. اوکودن تر و ارتجاعی ترازآن است که بتواند به بندبازی های‌بورژوازی اعتماد کند و ساده ترین مانورهای رفرمیستی او را تحمل‌نماید. این است که‌می خواهد باجایگزین کردن قشری ترین و ارتجاعی ترین نیروها به‌جای عناصر لیبرال، نه‌تنهاموقعیت خود رابیش‌از گذشته تثبیت کندبلکه بافشار بیشتری بر توده ها، خود راازاین بحران نجات دهد. غافل ازاینکه نه تغییر وزیر کار ونه هیچیک ازتغییرات دیگرکوچکترین مسئله‌ای راحل نخواهد کرد. جنبش کارگری ایران روزبروز قوام واعتلای بیشتری می یابدومبارزه کارگران برای به‌دست آوردن ابتدائی ترین حقوق خود یعنی ۴۰ ساعت کاردرهفته، حق داشتن کارمناسب ودریافت حقوق‌بیکاری تعیین حداقل دستمزدی که اولا حد اقل معیشت خانواده کارگر راتامین کند، ثانیاداائمامطابق بانرخ تورم ترمیم شود، کوبنده وپیگیر ادامه خواهد یافت.

علاوه براین خواستها آنچه که‌در محیط های کار به مساله روز بدل شده است اخراج کارگران پیشرو است. رهبران اعتصابات دوران قبل ازقیام، تمام کارگرانی که به نحوی سابقه مبارزاتی داشته اند، کارگرانی که اکنون به دفاع‌از طبقه‌خود دربرابر سرمایه داران برخاسته اند، اکنون باتوطئه کثیف ضدکارگری اخراج از کار، روبروشده‌اند. این سیاست به‌دستور دولت بازرگان وباپشتیبانی وسیع سرمایه‌دارانی که منافع خود رادرخطردیده اند اتخاذشده وباتغییر کابینه احتمالا ازطریق‌طرحهائی که برای کارگران ناشناخته است‌همچنان تعقیب خواهد شد. امادولت ازاین‌غافل است که‌مبارزه کارگری واتحادکارگران به چنان سطحی رسیده است که نه تنها بااخراج کارگران، مبارزه آنها تخفیف نخواهدیافت‌بلکه‌اعمال این‌فشارها در مقایسه‌باماههای‌قبل به‌رشدبازهم‌بیشتر جنبش‌کارگری‌واعتراضات‌کارگران در خوزستان،آذربایجان‌ومنطقه‌تهران منجرا شده‌است. اگرامروزمدیران‌وسرمایه‌داران، کارگران مبارز راازکاراخراج می کنند، دور نیست روزی که صف متحد کارگران با آموختن از کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریزوسایر کارگران آگاه‌مدیران و سرمایه‌داران مفت خور راازکارخانه ها اخراج کنند.

ازنظر اسلام جامعه‌بی‌طبقه . . .

بقیه از صفحه ۱

کاربه‌خودش برسدوبه‌تعبیرحقوقی‌مالک‌آن شود. . . وحدودی‌هم برای‌آن‌معین‌نکرده است‌که‌البته‌بعضی‌ها برای‌مالکیت‌حدود ی مشخص کرده‌اندکه‌این‌اصلا درست نیست"

(روزنامه‌کیهان ۲۵شهریور)

وساده‌تربگوئیم ازنظرایشان (یعنی ازنظر اسلام به‌روایت‌ایشان) برای‌مالکیت خصوصی هیچگونه حد ومرزی‌وجودندارد وجود طبقات‌استثمارشونده‌واستثمار کننده کاملا طبیعی وضروری و "اسلامی" است واستثمار زحمتکشان هم درجامعه مورد قبول ایشان کاملا آزاد است.

ازسوی دیگر آقای بنی‌صدرادعا کرده است که این آقایان یعنی امثال آقای آذری قمی "لای کتاب اقتصاد توحیدی رانگشوده‌اند ویک کلمه ازآن نخوانده‌اند واصلا نمی‌دانند جامعه بی طبقه توحیدی چه صیغه ای است ... پس‌ازنظر ایشان اقتصادتوحیدی حرف مفت است."

(روزنامه‌انقلاب اسلامی ـ سه‌شنبه ۲۷ شهریور)

دراین زمینه آیت الله طالقانی‌و افرادی مثل آقای بنی صدروآقای سید احمد خمینی وهمچنین ازهمه جدی تر سازمان مجاهدین خلق‌ایران‌وسازمانهای موتلف آن معتقدندکه اسلام خواهان ازبین رفتن طبقات وبرقراری جامعه بدون طبقه توحیدی است. این‌نیروهاکه شمردیم برخلاف‌آقای قمی‌معتقدندکه اسلام برای مالکیت حدومرز قائل است‌و به‌کمک همین حدود وبااتخاذسیاستهائی که هرکدام پیشنهادمی کنندمی توان اختلاف طبقات راکاهش داده وآنرا به‌تدریج ازبین برد.

اظهارات آقای قمی به بهترین نحوی ازماهیت فوق ارتجاعی ایشان پرده برداشت ونشان دادکه واقعاچه عنصر مرتجعی درحساس ترین شرایط در راس دادگاههای انقلاب اسلامی قرار گرفته بود.

بدین ترتیب اظهارات ایشان‌قبل ازاینکه روشن سازد بالاخره "اسلام" ظرفداز جامعه سرمایه‌داری است یاجامعه بدون طبقه وسرانجام به این دعوای‌پوچ که بین جناح های مختلف جریانهای مذهبی درگیر است پایان دهد، دست‌کم نشان دادکه دادستان انقلاب اسلامی ایران مدافع سرسخت نظام‌سرمایه‌داری حتی مرحله انحصاری آن ودشمن‌رهائی زحمتکشان است. اوآنقدر مرتجع وکند ذهن است که حتی حاضر نیست‌همچون آقای بنی صدر سرمایه داری رالای‌زرورق بپیچدوجای سوسیالیسم واقعی به مردم قالب کند.

امادرست این است که این دعوای پوچ رابه‌دقت تعقیب کنیم. نه‌ازاین‌نظر که بالاخره دریابیم اسلام مدافع مالکیت محدود ومشروع است یامالکیت دراسلام حدود ندارد. بلکه‌ازاین نظرکه این بحث خود ملاک موثری درتشخیص موضعگیری هریک ازنیروهای مذهبی در منازعه طبقات است. پاسخ هریک از جریانهای مذهبی به‌این سئوال به نحو شایان توجهی آن پوسته مذهبی راکه حول مواضع به غایت طبقاتی هریک از نیروها کشیده شده وازکل آنها چیزی به نام "نهضت اسلامی" ساخته است کنارمی زند وماهیت طبقاتی هر یکرا برملامی کند.

پیگیری دراین مسئله درنهایت نشان خواهد دادچه کسانی تحت‌پوشش اسلام کمربه خدمت سرمایه‌داری‌انحصارگر بسته‌اند وکدام نیروها بازهم تحت پوشش اسلام ازسرمایه‌های کوچک واقشار متوسط‌که سرمایه محدودی دارند دفاع می کنند. اگرچه امروز بین قشریون مذهبی وسرمایه‌داران انحصار گر چه از نظر منشاء طبقاتی وچه ازنظر اصول عقیدتی مورد قبول به‌نحو بارزی تضاد وجوددارد، امابازهم به نحو بارزی ود ر عمل می‌توان مشاهده کردکه قشریون مذهبی ازقبیل حضرات آذری قمی ها وامثالهم چگونه واقعاوماهیتا همان سیاست وهمان اقتصاد رامی پذیرندکه سرمایه‌داری انحصاری وابسته وامپریالیزم پذیرفته است، هرچند که تامدتی ظهور ماهیت مشترک این دو به طول‌انجامد. اضافه کنیم که تصادفی نیست که آقای آذری قمی هم درسیاست به طرزوقیحی ازسرکوب نیروهای انقلابی وتحکیم مجدد دیکتاتوری دفاع می کند وهم دراقتصاد از مالکیت نامحدود یابهتر گفته شود ازتفویض‌حق غارت نامحدود به سرمایه‌داران پشتیبانی می کندوبازهم تصادفی نیست که جناح‌دیگر هم در سیاست ازحق آزادی‌بیان وعقیده وحق شرکت مردم درتعیین سرنوشت خویش دفاع‌می کند وهم دراقتصاد مدافع محدودیت درمالکیت است.

"اشکال مختلف مالکیت وشرایط هستی اجتماعی باروبنای جامعی از احساس هاوپندارهاوشیوه‌های ویژه تفکر پوشیده شده است. مجموع طبقه برپایه شرایط مادی خود ومناسبات اجتماعی وابسته‌به آن، تمام این روبنارابه‌وجود می آوردوبه آن شکل می دهد."

کارل‌مارکس ـ هیجدهم برومر ۱۸۵۲

بطورکلی باید گفت، همانطوریکه دادستان انقلاب‌اسلامی اردبیگاه مرتجعترین اقشار مذهبی می گوید و همانگونه که درسمینار بررسی‌وضعیت اقتصادی ایران به آن اشاره شده است واقعاهم " نظام توحیدی "حرف مفت است، و تنهادرنظام کمونیستی است که جامعه بی طبقه‌مفهوم واقعی پیدامی کند.

بنابراین آن دسته از نیروهائی هم که ازروی حسن نیت و به‌عنوان حمایت ازتوده‌های زحمتکش ورسیدن به یک " جامعه بی طبقه" می خواهند اقتصاداسلامی رامبناقرار دهنددرک نمی کنند که این‌دلسوزی برای مردم زحمتکش که بیرحمانه مورد غارت واستثمار طبقات‌حاکم قرارگرفته‌اند هرگزبه‌رهائی آنان ازچنگ نظام‌طبقاتی منجر نخواهدشد. اوهام تخیلی‌که آنان برای تعدیل ثروت وازبین بردن‌طبقات وبرقراری جامعه" توحیدی "اندیشیده‌اند تنهابه‌این درمغی خوردکه خونهای بی دریغی راکه خلق زحمتکش درراه رهائی خود ازبند ستم امپریالیسم وسرمایه‌داری برزمین‌می ریزد، برباد دهند ومانع ازمیان برداشتن طبقات‌و دست یافتن به عالیترین مرحله تکامل اجتماعی‌یعنی جامعه بدون طبقه، بدون ستم طبقاتی، بدون زور وظلم واجبار شوند.

تظاهرات وسیع خلق‌کرد . . .

بقیه از صفحه ۱

عامل اصلی معرفی می کند

متن تلگراف خلخالی چنین‌است.

بسمه تعالی

"دفتر محترم امام خمینی‌دامت برکاته.

جریانات جانسوز" قارنه"دل هر انسانی رامی سوزاند. ملامحمودمستورـ زاده که باقرآن به‌پیشوازمردم‌رفته‌عمال معبودی وسرکردنجفی وعزیز قادری وملاحسنی آنهاراکشته اند وشصت وپنج نفر به طرز فجیع. اگرامام به این امر جانسوز رسیدگی نفرمائیدپس کدام مقام رسیدگی کند.

بااحترام ـ صادق‌خلخالی

۵۸/۶/۲۰

بطوری که درخبرنامه کردستان آمده است جنایت روستای " قارنا "در شرایطی صورت گرفت که.

روحانی تسنن روستاباقرآن‌پیش آنهارفته وخواسته‌بودکه‌به‌ده‌حمله‌نکنند، ولی مهاجمان باسرنیزه قرآن راپاره‌کرده وروحانی ده راهم تاحد مرگ کتک زده وسپس به قتل رسانیده اند. چند تن از باقیماندگان جنایت هولناک " قارنا " ازپنجشنبه ۲۲ شهریوردرفرمانداری مهاباد متحصن شده وخواهان‌دستگیری ومجازات عاملین این جنایت شده‌اند.

واوان ـ ارتش، پاسداران رابجای مردم کرداشتباه‌گرفت‌وآنهارابااهالی‌کوپتر گلوله باران کردکه دراثرآن ۱۱نفرپاسدار کشته شدند.

این پاسداران که برای فریب‌و سرکوبی خلق کردلباس پیشمرگان کردرا پوشیده بودندمی خواستند تحت این پوشش به مواضع مبارزین کردحمله کنند ولی دربین راه مورد حمله ارتش قرار گرفتند ودرحقیقت دردامی افتادندکه خود گذاشته بودند.

جالب اینجاست که‌درچنین جنگهای سرکوبگرانه ای دشمن ازاینگونه اشتباهات زیاد داشته است. درویتنام ارتش امریکا بارها مواضع وپایگاههای خود رابمباران می کردوبادسته هائی‌از ارتش‌ویتنام جنوبی رابه جای ویت کنگهامورد‌هجوم قرارمی داد. ارتش شاه جنایتکار نیز ضمن سرکوب خلق ظفار چندین بارنیروهای خودش رابجای ارتش آزادیبخش ظفار به گلوله بسته‌بود.

پانه ـ دربانه بیش ازده هزار نفر ازاهالی شهر وروستا به عنوان اعتراض به رفتار پاسداران ونیز تیراندازی های پیاپی شبانه، درمسجد (حاج ماموستا) متحصن شده وخواهان خروج‌پاسداران وکنترل شهر به وسیله افراد محلی هستند.

مهاباد ـ مردم مهاباد ازپاسداران نفرت دارندوهرجاکه پاسداران‌قدم می‌گذارند مردم ازآنجادورمی شوند. مثلاهنگامیکه پاسداران‌به‌اغذیه فروشی‌هاوقهوه‌خانه‌ها وارد می‌شوندمردم آنجاراترک می‌گویند. دراغلب‌شهرهای کردستان‌فروختن جنس وحرف زدن‌باپاسداران تحریم شده‌است این‌مسئله موجب بروزنارضایتی‌شدیددر میان‌پاسداران‌شده‌است.

سردشت ـ تعدادی ازپاسداران مستقر درسردشت که وجدانشان بیدار شده وانگیزه اصلی این جنگ‌رادریافتند به شهرهای خود بازگشتند. آنهاهنگام خروج ازشهر ازمردم عذر خواهی وطلب عفو کرده ومی گفتندماازچگونگی این جنگ آگاه نبودیم وحال که همه چیز برایمان روشن شده حاضربه برادرکشی نیستیم.

یک عمل ارتجاعی

عوامل ارتجاع بنای یادبودی راکه زحمتکشان سنندج برای قهرمان شهید خلق کرد" کاک اسماعیل‌شریف زاده" ساخته بودند خراب کردند. این بنا بهارگذشته درسالروز شهادت سمکو ساخته شده وبابورش ارتجاع به‌کردستان آن راخراب کردند. (کوردلان‌وتنگ‌ـ نظران مرتجع نمی دانندکه قهرمانان دردل مردم زنده اند).

کار

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸

سال اول ـ شماره ۳۳ صفحه۳

چرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها...

بقیه ازصفحه ۱

آنهاست) جابیندازند..

صحبت کردن ازشورا موضوع تازه ای نیست. ما ازمدتی قبل ازقیام این شعار را مطرح کرده بودیم وسپس نیز بدفعات بر آن تاکید کردیم وبعدها هم گفتیم که شوراها در جریان قیام بهمن ماه بوجود آمدند ودراثر خواست توده مردم برای اعمال قدرت خودشان، یعنی تصمیم گیری واجرای آن تصمیمات توسط نمایندگان منتخب خودشان شکل گرفتند، شوراها ازطرف مردم (کارگران، دهقانان، پرسنل انقلابی، کارمندان وغیره) بوجود آمدند تاجای خالی قدرت ازهم پاشیده رژیم شاه را پر کنند وخواستهای صنفی و سیاسی آنها را به اجرا درآورند..

اما اینکه مجلس خبرگان وشورای انقلاب که خواستها وتمایلات ونظریات روحانیت را بیان می کنند، شورا را پذیرفت و دولت را وادار به قبول اجرای آن کرد، مسئله دیگری است که جا دارد به علل آن بپردازیم.

به نظر ما مهمترین علت پذیرش شورا ازطرف حاکمیت سیاسی فشار شدید توده مردم بود که به "فشار از پائین" معروف است دولت وشورای انقلاب مدتهای زیادی سعی کردند قضیه را زیر سبیلی درکنند وبه فریادهای توده مردم توجهی نکنند وتا حدودی هم موفق شده بودند به مردم بفهمانند که کوششان این حرفها را نمی شنود اما مردم که مدتها مبارزه کرده بودند وتا حدی آگاه شده بودند ومی خواستند در تصمیم گیری واجرای انقلابی آن سهیم باشند، نیز حاضر به کوتاه آمدن نبودند. آنها هم مرتبا اینجا وآنجا فریاد خود را بلند کردند..

ازطرف دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران وسازمانهای موتلف آن هم که خواست های دموکراتیک وضد امپریالیستی مردم را بیان می کنند، به تبلیغ این شعار توجه داشتند ولینجا وآنجا ودرهر فرصتی که پیش می آمد، آن را توضیح میدادند. آیت الله طالقانی رهبر مورد پذیرش این سازمانها هم تا آخرین روزهای حیات سراپا مبارزه اش مبلغ ومدافع این خواست توده مردم بود. و همین امر باعث شد که آخرین نطق وی شدید ادولت را مقید کرد که گوش را به روی این خواست مردم باز کند و "تبلیغات" وسیعش را آغاز کند..

علت دیگری که باعث شد دولت باین شعار تن بدهد ووجود آن را بخصوص در کارخانجات بپذیرد آن بود که شوراها تمام افراد شاغل در یک واحد تولیدی را در بر میگیرد. به این معنی که هم کارگران، هم کارمندان، هم سرپرستها وهم مدیران در شورا متشکل میشوند واداره امور را در دست می گیرند وبه یک قشر یا طبقه معین محدود نمی شوند. همین امر امکانات زیادی فراهم می کند تا موانعی که می خواهند فاصله طبقاتی را استمالی کنند وبه همین دلیل عملا در خدمت سرمایه گذاران هستند رهبری شوراها را در دست بگیرند ومقاصد خود را به پیش ببرند. درحالیکه مثلا سندیکاهای کارگری سازمانهایی هستند که فقط کارگران را برای رسیدن به خواستهای صنفی ـ سیاسی خود متشکل می کند و به همین دلیل خیلی بیشتر از نفوذ این عوامل غیرکارگری در امان هستند.

پس هدف دولت از پذیرش وتبلیغ این شعار آن است که:

اولا با ایجاد شوراهای مشورتی (که به قول وزیر کار "نمی تواند جانشین مدیریت شود") سعی کنند شعار توده مردم را از آنها بگیرد وعملا آن را بی معنی وبقول معروف شیر بی یال و دم اشکم کند..

ثانیا حدومرز طبقات را درهم بریزد و همه اقشار وطبقات را در یک سازمان متشکل کند.

ثالثا از ناآگاهی وتمایلات مذهبی توده های مردم وفضای سرکوب وخفقان موجود استفاده کند ورهبری این سازمانها را دردست بگیرد وعملا این سازمانها را در خدمت منافع وسیاستهای خود قرار بدهد و بدنبال خود بکشد..

اما آیا دولت وشورای انقلاب خواهند توانست حدومرز طبقات را درهم بریزند ومبارزه طبقات را علیه یکدیگر از بین ببرند؟ به عبارت دیگر آیا آنها خواهند توانست تاریخ را که همانا مبارزه طبقاتی است ازحرکت بازدارند؟

مسلما نخیر.

کارگران، یعنی انقلابی ترین طبقه عصر ما در حزب خود متشکل خواهند شد واز طریق آن برای به دست آوردن رهبری شوراها مبارزه خواهد کرد وشوراها را به سازمانهای واقعی اعمال قدرت مردم، به سازمانهای تصمیم گیرنده و اجراکننده توده ای تبدیل خواهد کرد واز طریق این شوراها، شورای عالی اعمال قدرت توده های محروم وستم کشیده را به وجود خواهد آورد که اداره امور دولت را در دست خواهد گرفت وجامعه را در مسیری که مطلوب کارگران، همه دهقانان ودیگر زحمتکشان تولید کننده باشد، به پیش خواهد برد..

شاه دیگری رفت اما...

بقیه ازصفحه ۱

کودتا اعتراف نمودند وبا بی شرمی ماهیت امپریالیستی کودتا را فاش ساختند.

بوکاسا در سال ۱۹۶۵ با داشتن تابعیت فرانسوی به ریاست جمهوری افریقای مرکزی برگزیده شد ودر سال ۱۹۷۶ خود را به مقام امپراطوری ارتقاء داد. وی در راه تامین مصالح اربابان جهانخوارش همچون سایر مزدوران ازهیچ جنایتی فروگذار نکرد. او با وضع قوانین قرون وسطائی، فقر وبردگی را بر اکثریت مردم کشوری که از بزرگترین تولیدکنندگان الماس وطلای افریقا می باشند، تحمیل کرد. مبارزات ضداستعماری وآزادیبخش مردم افریقای مرکزی که به ویژه در ارتباط با جنبشهای خلقهای چاد ـ سودان ـ کنگو برازاویل اززمینه رشد مساعد برخوردار بود به وحشیانه ترین شکلی سرکوب می شد وبشدت ازایجاد هرگونه تشکلی جلوگیری می شد. کشتارهای دسته جمعی ازمردم معترض وبه جان آمده دراین کشور ازجمله کشتار دانش آموزان یک دبیرستان در "بانگی" یکی ازافتخارات بزرگ این امپراطور به شمار می رفت. مجریان قوانین امپراطوری که خود حافظ امنیت چپاولگری وغارت ثروتهای بی کران خلق بودند افرادی را که ازفرط گرسنگی وفقر برای لقمه نانی دست به سرقت می زدند در ملاء عام تازیانه وپاگردن می زدند. جنایات این مزدور آنچنان کینه خلق را برانگیخت که دیگر برای امپریالیسم فرانسه حمایت آشکار ازاین امپراطور به صرفه نبود وبهمین دلیل ازترس اوجگیری مبارزات مردم که بی شک سلطه استعمارگرانه اش را به نابودی تهدید می کرد دست به کار تهیه زمینه کودتای اخیر شد.

آری دیگر دوران تکیه امپریالیسم بر دیکتاتورهای بی پرده وسرکوبگر و مزدوران شناخته شده اش به سر آمده است وآخرین امیدغارتگران برای حفظ سلطه استعماریشان روی کار آوردن مهره های ناشناخته ای است که کمتر مورد تنفر ملتها باشند واین همان سیاست مزورانه ای است که جهت منحرف ساختن مبارزات توده ها وفریب آنها به کار گرفته می شود. سیاستی که باید آن را حاصل تجربه امپریالیستها در مقابله با جنبشهای انقلابی درسراسر جهان دانست. امپریالیستها می خواهند تا جائی که ممکن است ازتکرار دردسرهائی که با پیشتیبانی ازرژیمهائی چون سومو نول شاه ـ سوموزا ودیگران دامن گیرشان شده است جلوگیری کنند.

رفتن بان اسمیت وآوردن حضرت اسقف موزوروآ هم صرفنظر ازویژگی هائی که دارد نمونه ای ازهمین سیاست است اما سرنوشت تمام این رژیم ها وتمام حیله گری ها وتوطئه های امپریالیسم به شهادت تاریخ مرگ ونابودی است. پیروزی از آن خلقهاست. هرچند امپریالیستها ونوکرانشان هرگز به سادگی تسلیم نخواهند شد. ازاین روی رژیم جدید آفریقای مرکزی نیز آماج مبارزات بی امان خلق خواهند بود وتغییر بوکاسا باشکلی که صورت پذیرفت قادر به فرونشاندن آن مبارزات نخواهد بود.

علی محمد عرب

" نماینده کارگران ایران در مجلس خبرگان" را . . .

بقیه ازصفحه ۱

معیارها تغییر کرد ومردم زحمتکش ما به تصور اینکه پس ازتحمل سالها فشار و زور دیکتاتوری این بار می توانند با خیال آسوده نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند به پای صندوقها رفتند ولی به استثناء چند نفر که واقعا مورد تائید مردم بودند باز هم وکلای " فرمایشی " ازصندوقها بیرون آمدند وشواهد نشان می دهد که در بین این " فرمایشی ها " هستند افرادی که گویا دارند نقش همان ساواکی های قبلی را بازی می کنند و بخصوص آنها که با طبقه کارگر سروکار دارند خیلی آشکارتر وباوقاحت تمام خود نقش پلیس سیاسی را برعهده گرفته اند ودیگران را علنا برجاسوسی وتفتیش عقاید وکشف منبع نشریات مترقی ترغیب وتشویق می کنند. ما در زیر نمونه سندی را می آوریم که حاکی از فعالیت های پلیسی علی محمد عرب نماینده قلابی کارگران درمجلس خبرگان است.

دراین سند علی محمد عرب وقیحانه ازکارگران می خواهد حرفه اورا انتخاب کنند وعلیه یکدیگر جرجینی وجاسوسی کنند. این سند نشان می دهد که این آقای نماینده چنانچه پیداست یکی ازخبرگان طرفه جاسوسی و پلیسی بوده وزیر پوشش اسلام کار به خدمت سرمایه داری ... جنبش کارگری ایران ...

... دروغی با ایمان ... به چهره های پرتوان وانقلاب آفرین کلیه کارکنان شرکت بافکار اعم از خواهران وبرادران عزیز بنا به آیه شریفه فوق الذکر برای تسریع کارهای هراجتماعی خصوصا که درجهت احقاق حق وخداگونه باشد هریک ازجامعه ونمایندگان آن وظایف خاصی درمقابل یکدیگر عهده دار می باشد که کلیه آن وظایف دردومطلب خلاصه می شود. اول هشدارهای حساب شده وصحیح درباره کلیه امور اعم از اقتصادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی و سرکوبی دشمن به وسیله اعضاء شورای نمایندگان. دوم توجه افراد آن جامعه به تعیین خط مشی ها وفرامین نمایندگان یا اعضاء شورا.

اینجانب علی محمد عرب که یکی از اعضاء شورای شمامی باشد به فرد فرد شما هشدار می دهم که چپ نمایان زمانی که بنده درآن شرکت بودم نشریه ای به نام " نساج مبارز" درآنجا پخش می کردند که عامل اصلی آن معلوم نبود. والان آن نشریه را توسعه داده اند تبدیل به مجله نموده با مارک چپی هاکه به حمدالله حامل وعامل اصلی آن هم برای اعضاء محترم شورا وهم برای بنده شناسائی شده است. لذا تقاضای بنده ازفرد فرد کارگران مجاهد این است که ازمدیریت واعضاء شورا بخواهید تا آنکه حامل اصلی این نشریه باطل ودروغپرداز را ازآن شرکت بیرون کنند وچنانچه نام آن شخص را به شما نگفتند به بنده مراجعه کنید وبنده هم از بیرون سعی می کنم برای بسته شدن محل نشر آن کمک کنم. اگر اعضاء شورا وشما اینکار را انجام دهید به کلمه . . . جامه عمل پوشانده ایم. درغیر اینصورت همه در نزد خدا مسئولیم.

علی محمد عرب

آقای علی محمد عرب که گویا ظاهرا باید ازمنافع کارگران در " مجلس بررسی نهائی قانون اساسی " به دفاع برخیزد، تاکنون نه تنها ازدشمنی و خصومت نسبت به طبقه کارگر ازخود نشان نداده است بلکه با صراحت و بی شرمی تمام سعی کرده است هرکجا سخنی از کارگر ومنافع طبقه کارگر به میان می آید، به کثیف ترین شکل ممکن منافع کارگران را زیر پا بگذارد وسرسپردگی خود را نسبت به سرمایه داری وابسته ایران به اثبات برساند. حال ببینیم او در مجلس "خبرگان" چگونه با ارتجاعی ترین جناح مجلس به تبانی پرداخته تا برای درهم کوبیدن ساده ترین وابتدائی ترین ارگانهای صنفی کارگری یعنی سندیکاهای کارگری، اصول وقانونی دست وپاکند و به این اعمال ضدکارگری درقانون اساسی سندیت بدهد. بطور مثال دکتر بهشتی دریکی ازجلسات مجلس خبرگان پیشنهاد می کند که:

"سندیکا را بهتر است برداریم، شاید نظر برادر عرب چنین نیز باشد."

کیهان یکشنبه اول مهر

آقای بهشتی اگر یک کمی بیشتر تعمق کنند می بینند که به هیچ وجه نمایندگان مسئله سندیکای کارگران باشند. چون برادر عرب به عنوان نماینده " تام الاختیار" و" واقعی" کارگران ایران نه تنها با برداشتن وحذف کلمه سندیکا درقانون اساسی کاملا موافق هستند بلکه اصولا برچیدن سندیکاهای کارگری را گامی مثبت درجهت پایمال کردن منافع کارگران وخدمت به سرمایه داری دانسته ازهیچ کوششی برای ازبین بردن سندیکاها وشوراهای کارگری مضایقه نخواهند کرد. آقای بهشتی اگر فقط به روزنامه جمهوری اسلامی نگاهی می انداختند ونظر برادر عرب را دررابطه باوظایف شوراهای کارگری مطالعه می کردند، می دیدند که به هیچ وجه جای نگرانی نیست.

برادر عرب درمورد وظایف شوراهای کارگری می گوید:

. . . طبق این آیه شریفه کلیه موسسات وکارخانجات ودهات سراسر مملکت برای نیل به اهداف مشروع و خداگونه شان ونظم وامنیت وآرامش آفرین قشر کارگر وکشاورز باید هریک درمحیط کارشان شورائی متشکل ازافراد تکامل یافته وباافراد صالح ووارد به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وآشنا به قوانین اسلام تشکیل دهند. . . اعضاء شورا باید به دو نکته مهم همواره توجه کامل داشته باشند ۱ـ بقاء شرکت. ۲ـ رسیدن کارکنان آن به حقوق طبیعی خودکه این دوهمواره لازم وملزوم یکدیگر وازهم تفکیک ناپذیرند وباید افراد توطئه گراکه مسیرشان ازاسلام و انقلاب جداست ارشاد کنند وچنانچه متنبه نشدند اعم ازکارگر وکارمند اخراج کنند وازداخل شدن خبرنگاران وعکاسان که مورد اطمینان نیستند جلوگیری نمایند وازمصاحبه باافراد مغرض وتوطئه گر خودداری نمایند. . . انجام کلیه دستورات مذکور مقدمه ای است برای به حقوق طبیعی خود رسیدن ودرثانی نظم وآرامش درهمه جای مملکت حکمفرما شدن وثالثا شرکت کردن نمایندگان کشاورز وکارگر درآینده در مجلس شورای ملی وکنفدراسیونهای بین المللی."

روزنامه جمهوری اسلامی

شنبه ۳۱ شهریور

درنتیجه نه تنها آقای بهشتی بلکه خود برادر عرب بهتر ازهرکس دیگری می دانند که مقصود از "اهداف مشروع" و"نظم وامنیت" برای " کلیه موسسات وکارخانجات "چیست و"توجه کامل به بقاء "این شرکتها درشرایط ووضعیت کنونی وباتوجه به روابط حاکم مابین کار فرما وکارگران یعنی چه. واحتیاج به توضیح ندارد که درشرایطی که وحشیانه ترین اشکال استثمار وشدیدترین فشارهای اقتصادی بردوش کارگران وکشاورزان ماسنگینی می کند این اصول را به عنوان وظایف اساسی کارگران وکشاورزان قراردادن و" انجام کلیه دستورات راوسیله رسیدن به حقوق طبیعی "آنها دانستن، همراه باهمه فرامینی که درواقع برای اخراج عناصر آگاه ازدرون کارخانه ها صادر شده تا چه حد فریب توده های ناآگاه است و تاکید به اینکه چگونه باتفسیرهای جورواجور ازقرآن کارگران وکشاورزان را به اطاعت کورکورانه ازکارفرماهای خون آشام مجبور سازند.

نمونه سندی ازفعالیتهای پلیسی علی محمد عرب

حق تعیین سرنوشت خلق‌ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

کار
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸
سال اول- شماره ۳۳ صفحه ۴

علت انقلاب چه بود؟

گزارش یکی از جلسات شورای کارخانه درمن دیزل تبریز توسط یکی از کارگران

روزچهارشنبه ۲۱شهریور کارگران برای انتخاب اعضای جدید شوراوتصمیم گیری‌درموردهنرور"ازعمال‌سرمایه‌داران جلسه‌ای تشکیل دادند.

ابتدایکی‌ازروحانیون تبریزبه نام بنابی که‌برای‌بازدیدبه‌کارخانه آمده بود پشت تریبون قرارگرفت وگفت.

"انقلاب ایران یک انقلاب‌سیاسی نبود. زیرااکثر مردم ماناآگاه بودندو هیچکس انتظارنداشت یک‌مرتبه به خیابان هاریخته علیه دستگاه حاکمه شعاربدهند. حال ببینیم علت انقلاب چه بوده است؟"

طبق اظهارات آقای بنابی علت انقلاب ایران هنوز برجامعه شناسان‌دنیا نیزروشن نیست چون ۵۰ سال خفقان در کشور مانع‌ازرشد آگاهی سیاسی ملت ایران شده بود وملت نمی توانست‌ازوضع مملکت باخبر باشد. ایشان بااین مقدمه چینی علل انقلاب ایران راطبق نظرات خود اینطور توضیح دادند.

" ملت ایران ناآگاه بود وما نمی دانیم چطور شد یک مرتبه همه‌مردم به خیابانهاریختندولی مردم به دین خود متعصب ومقلد مراجع دینی می‌باشند ووقتی ماازمردم می‌پرسیم چراانقلاب کردید؟می گویند رهبرمااینطورخواست و مانیزاینکارراکردیم."

وی اضافه کرد.

" بله، مابرای دین انقلاب‌کردیم نه برای پائین آوردن قیمت خواروبار هندوانه وخربزه. مادرآن موقع کارخانه‌ها راتعطیل‌کرده‌واداران‌وبانکهارابه آتش کشیدیم زیرااینهامال‌ماونبود ولی‌الان همه چیزبه ماتعلق‌دارد. الان انقلاب خاتمه یافته ودوره سازندگی است وکم کاری خیانت است. مانبایدبه مسائل جزئی اهمیت بدهیم. اگر حقوق ما ۵ یا ۱۰ تومان کم وزیاد باشداهمیت‌ندارد."

سپس مسئله هنرور پیش کشیده‌شد.

یکی از کارگران گفت.

" این آقای هنرور موقع آمدن به کارخانه هیچی نداشت مانمی‌دانیم‌چطور شده‌الان وی بنز صدهزارتومانی داردو ما هیچی نداریم؟"

آقای بنابی برای طفره رفتن‌از پاسخ باعجله گفت.

"من‌نمی دانم. اصولااین حرفها به ما مربوط‌نیست. من اورانمی شناسم. شماپرونده این شخص رابه دادگاه‌انقلاب اسلامی بدهیددادگاه درباره اوقضاوت خواهد کرد."

یک کارگردرجواب گفت.

" آقای‌بنابی. حالاشمادرجمع ۴۵۰ نفری هستیدومی بینیدهمه‌بااخراج وی موافق هستند. مگر نظر ۴۵۰نفری که این فردرامی شناسند، کافی نیست؟ وانگهی، مایک ماه‌است پرونده‌رابه‌کمیته فرستاده‌ایم ولی‌تاکنون رسیدگی نشده است."

دراینجاآقای بنابی که به نظر می رسید شدیدا عصبانی است بالحن مسخره آمیزی گفت.

" شمایاخواب بودیدیابه حرف‌من گوش نکردید. من گفتم پرونده‌راباحضور اعضای شورابه‌دادگاه‌انقلاب بفرستید نه کمیته. چون کمیته مرجع نیست.

دراین موقع بین کارگران همهمه درگرفت. یکی از آنهاگفت.

"آقای بنابی، شمامی گوئید به کارهای جزئی‌نپردازیم‌پس چرابه مسئله این هنرور که‌درحدود یک ماه است‌وقت کارگران راگرفته وتابه حال چندبین‌جلسه دراین موردتشکیل‌شدرسیدگی‌نمی‌شود؟

بنابی. "بله‌ضمن‌همین‌رامی‌گویم"

یک کارگر. " آقا. چندباربه‌مراجع گفته‌ایم ولی رسیدگی‌نمی‌شود."

دراین موقع یکی‌ازکارمندان که خشمگین شده بودگفت.

" آقایان. آخرچه مرجع؟اصلا مرجع چه‌کاره‌است؟تابه‌حال‌چهارمرتبه مراجع به کارخانه آورده‌ایم، نتیجه ای حاصل نشده. این دفعه استاندار را بیاوریم ببینیم اوچه‌می گوید؟"

دراینجابنابی بسیار برافروخته شده گفت.

" جناب اجل اشرف. بنده به دعوت کارگران اینجاآمده‌ام‌وازآن‌گذشته این‌ماهستیم‌که‌به‌خوداستاندارهم کمک می کنیم‌وهرجامن‌رفته‌ام توانسته‌ام موثرتر ازآقای‌استاندارباشم."

یکی دیگرازکارگران‌گفت.

"همه‌می‌دانیدکه‌مااززمان رژیم تاکنون علیه دزدی‌هاوخیانتهای هنرور مبارزه کرده‌ایم ولی هنوز بتوانسته ایم اورابه‌سزای اعمالش برسانیم. دیروزهم به کمیته شربیانی رفتیم. اگرمرابکشند من می گویم وهمه بدانیدکه شربیانی طرفدار هنرور است ومن دیدم مرتب از او طرفداری می کرد. یکی ازاعضای شورا هم این موضوع راتائیدکرد.

پاسخ یک کارگر به وزیر شهرسازی

در مورد دستور تخلیه خانه‌های مصادره شده

قبل ازاینکه مطالبم رابنویسم باشهد خود راگفته وبرای هرنوع‌تهدیدی آماده‌ام. زیراآنهائی‌که انقلاب‌واقعی را انجام داده‌اند ماههاست اززور ستم صاحبخانه هاوطلبکاران بی دین به جای سه وعده غذا بالقمه نان وپنیری روزرابه شب می‌رسانند. شماهاکه‌درپشت‌میزهای چندهزارتومانی نشسته‌ایدومی گوئید فعلاسازندگی‌مهم است نه مادیات آیا همه رامثل خودمی دانیدکه دارای‌خانه‌ای ویلائی باکلیه تجهیزات رفاهی وآخرین مدل اتومبیل ورفتن سفرهای فصلی‌به کشورهای خارجی. آیاشده تاکنون با صاحبخانه‌ای‌مواجه شده‌باشید که به خاطر نداشتن کرایه منزل شما را تهدیدکند وآب وبرق رابه روی شماقطع نماید. آیاتاکنون ازبانک اسلامی (به گفته خودشان) وام گرفته اید که بعدازآنکه نتوانسته‌اید به موقع آنرا بپردازید (به‌علت بیکاری) ازشمابخواهد که فرش زیرپای بچه‌هایتان رابه عنوان گرو خدمت آقای رئیس بانک اسلامی بگذاریدوآیا شده به شماتهمت بزنند چرانمی رویدکارکنیددرمملکت کارفراوان است؟ومی گویند برویدکارگری کنید وبااین اعمالتان انقلاب اسلامی ما را لکه‌دار نکنید. به چه موجبی آقای مسئول فلان کمیته درموردداختلافات مالک ومستاجر دخالت می‌کنند ووقتی منافع اربابانش راکه هم‌اکنون درامریکا مشغول خوشگذرانی است کمی به‌خطر می‌افتدبه شدت ناراحت می شودوقانون اسلام رابه رخ مردم می‌کشدوازسرمایه‌داران ومالکانی که سالهاخون مردم را مکیده‌اند وبامیلیونهاتومان پابه فرار گذاشته‌اند، دفاع می کنند ودرمقابل دوستانشان که همه جزواشخاصی بودند که‌ازهمین ارباب حق دلالی وسهم اماه می گرفتند، مردم راتهدیدمی کنند آقامنزل راخالی‌کن. به‌حق کسی تجاوز نکندوصدهانصیحت بی جاکه همه آنها به‌دردآنهائی که حسابهای بانکی فراوانی داردمی خوردنه به‌دردعده‌ای که به خاطرعواقب ناشی از انقلاب که همه آنهامتوجه طبقه‌محروم گردیده که می بایست بارسنگین چنین عوامل سرسپرده‌سرمایه‌داران رابه دوش بکشدو درکمیته هابه عنوان ضدانقلاب تعقیب ومحاکمه شود.

آقایان! خیال خام درسرداریدا. اگرمازیر بار حرف زورمی رفتیم دژخیمان رژیم گذشته پابه فرارنمی گذاشتند. ما که چیزی نداریم درمقابل نبردازدست بدهیم. برای مامردن بهتر است ازستم‌و کرسنگی وتهدیدوارعاب عده‌ای وابسته به‌سرمایه‌داری کثیف عوامل رژیم‌گذشته، که بودکه باسپرکردن سینه خوددرمقابل رگبار وگلوله هالرزه براندام دژخیمان انداخت وبانثارخون زنان ومردان‌واقعی این انقلاب رابه وجود آورد. که شماها درپشت میزهایتان بنشینیدولایحه تصویب کنیدووام های هزارتومانی بدهیدکه مردم فقیر وبیچاره رابه طرف نیستی تمام عیاری سوق دهید. آیا می دانیدکه این‌مبلغ کرایه منزل نمی شود؟شماکه توصیه می کنیدصبر انقلابی داشته باشیدوبه فکرمادیات نباشیدجواب این گردنکشان پول‌پرست‌را که‌خواهد داد. باتهدیدهای آنان چه می کنید؟ مگر نه اینکه‌مسکن جزواولین مایحتاج یک فرداست؟آیاماکه‌بیکاریم و پول نداریم می بایست به خاطرند اشتن کرایه منزل‌آنجاراتخلیه نمائیم تا سرسپردگان رژیم منفور گذشته‌چک های کلان مستغلات خود راتمام وکمال‌درخارج دریافت کنند وبه عیاشی بپردازند وبه ریش من وامثال مابخندندکه ببینید هنوزهم که انقلاب شده پول زبان بستمرا ازعمق مملکت انقلابی‌برای ماحواله می کنند. آیاشمابرچنین اعمال کثیفی صحه می گذارید؟

مردان‌وزنانی‌که همیشه ودرهمه حال جان برکف انقلاب راستین رابه ثمر رسانیدند منتظرندکه درنهایت‌رفاه وآسایش مادی ومعنوی قرارگیرندکه باید عرض شودمتاسفانه فقط‌ظاهرارژیم عوض شده نه آثارشوم استعماری وسرمایه داری که نیروهای متشکلی درسراسر ایران دارندکه درآن واحد بامیلیونهائی که دارندمی تواند بزرگان صدرنشین را خریداری کرده وبازهم استثماررااداامه دهد.

آقائی که خود راطرفدارطبقه مستضعف ومحروم می دانید. آیامعنی گرسنگی وفشار پول پرستان‌وسرمایه‌داران وایادیشان رادرک کرده‌اید؟آیابه قول خودتان‌سنگ های قبر شهیدان رادیده‌اید‌وقضاوت کرده‌اید‌که چه طبقه ای‌شهید وزخمی وفلج داده اند؟

جناب آقای وزیر! حقیقت راباید گفت. هرآنچه تلخ ودارای عکس العمل باشدباید‌گفت. نمیتوان به خاطر چند سال زندان رفتن وتحت تعقیب رژیم گذشته بودن ازطبقه محروم وبیکاردفاع کرد. ولی‌درگذشته‌درخدمت‌سرمایه‌داران خونخواروابسته به‌امریکاوایادی آنهابود جنابعالی ازمنافع اشخاصی دفاع می کنیدکه میلیاردهاتومان‌ازبودجه بی حساب وکتاب این ملت ستمدیده را به‌حفظ‌منافع غیرمشروع وشراکت در سرمایه‌گذاری های بزرگ قرارداده اند.

جناب آقای وزیر، آیابازبه نظر جنابعالی ازکدام طبقه بایددفاع کرد؟ عقیده شماازنحوه اعمالتان معلوم است. امابه‌عقیده مابه کمک‌مردمی‌بایدشتافت که قبل ازطلوع آفتاب درمیدان شهر گردمی‌آیند. نه سرمایه‌داروبرتجعی که چون میدان برده فروشان اورااز‌قرار روزانه ۵۰ تومان خریداری می نمایدو سالهازیر چکمه سرسپردگان رژیم منفور پهلوی خوردشده واحتیاج به مساعدت وباری دارندکه این مردان خبیث رابه سزای اعمال نکبت بارشان برسانید. به امیدپیروزی خلقهای‌مبارزوستمکشیده ایران.

بقیه‌ازصفحه ۸

تلگراف سازمان چریکهای‌فدایی خلق‌ایران‌به جنبش آزادیبخش خلق‌آنگولا "مپلا"

گرامی باد

یاد رفیق آگوستینو نتو...

ودرراه مبارزه برای رهائی‌ملی مصروف می کنند بسی تاثر آوراست. رفیق نتو نمونه یک انقلابی راستینی بودکه‌باعشق به توده هابه مبارزه پیوست. وی با اعتقاد به اندیشه‌های سترک‌مارکسیسم - لنینیسم مبارزه قهرمانانه خلق آنگولا رادر" جنبش‌آزادیبخش خلق آنگولا" "مپلا" علیه استعمار گران پرتغالی رهبری نمود وتوانست باقدرت لایزال توده‌هاوپشتیبانی بی دریغ همه نیروهای ترقیخواه جهان استعمارگران رااز آنگولا بیرون براند.

پس ازپیروزی رفیق نتو و در راه وحدت انقلابی خلق آنگولا وعلیه نیروهای ارتجاعی داخلی‌کوشش‌بس‌عظیم نمودوی بااعتقاد به ادامه انقلاب تا سوسیالیسم همواره‌باتمام تلاشهائی که برای به شکست کشانیدن انقلاب آنگولا انجام می گرفت پیگیرانه مبارزه نمود. وی درمبارزه برای رهائی آنگولا همواره به رابطه تنگاتنگ‌مبارزه خلق آنگولا وسایر خلقهای تحت سلطه‌افریقا و نیروهای ترقیخواه‌جهان تاکیدمی کرد و هرروزدرمستحکم ترنمودن پیوند مبارزاتی باانقلابیون "نامیبیا" "زیمبابوه" وافریقای جنوبی‌وسایر خلقهای قهرمان افریقا مجاهدت می نمود.

درگذشت رفیق نتویک ضایعه ملی برای خلق کبیر آنگولا به شمارمی‌رود ولی مابایمان داریم که رهنمودها و میراث انقلابی این انقلابی کبیر همواره ستاره‌ی راهنمای خلق آنگولاخواهد بود. خلق ایران ونیروهای انقلابی در گرامیداشت یاد این مبارز راه آزادی خلقهاباخلق آنگولا خود راسهیم می داند.

اخبارجهان

اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزد در هلند

دررتردام بیش از ۵۰۰کارگرقایقهای یدک‌کش و ۷۰۰کارگرباراندازبرای به دست‌آوردن اضافه‌دستمزد، دست به اعتصاب‌زده‌اند.

اعتصاب‌کارگران‌واردچهارمین‌هفته خودشده‌وفعالیت‌بزرگترین‌بندردنیا (بندررتردام) رافلج‌کرده‌است. کارگران قایقهای‌یدک کش تقاضای‌اضافه‌دستمزدی به‌میزان ۵۰فلورن (تقریبا ۱۸۰۰ریال) در هفته‌راکرده‌اند. درطی‌چهارهفته‌اخیر درحدود ۱۵۰۰کارگرباراندازدربندر آمستردام‌ونزدیک به ۴۰۰۰کارگر کارخانجات‌کنسروومواد غذایی‌هلنه‌برای افزایش دستمزدها دست‌ازکارکشیدند.

اعتصاب‌کارگران‌باراندازبندر آمستردام سرمایه‌داران‌رادرروز۸شهریور مجبوربه‌پذیرفتن مذاکره‌بااتحادیه‌های کارگری‌برای‌رسیدگی‌به خواست‌های کارگران‌کرد.

موج اعتصابات در ایتالیا

بیش‌ازسه‌میلیون‌تن ازکارکنان دولت‌ایتالیادرروز ۲۲شهریور۵۸بدعوت سه‌اتحادیه‌اصلی‌این‌کشوربه‌یک‌اعتصاب ۲۴ساعته‌دست‌زدند. اعتصاب‌کارکنان دولت‌ایتالیاسبب‌قطع‌خدمات‌راه‌آهن، بسته‌شدن‌ادارات دولتی‌ومحدودشدن کمکهای پزشکی‌درسرتاسراین‌کشورشد.

کارکنان‌دولت‌ایتالیاخواستار افزایش‌حقوق‌ورفاه‌بیشترهستند.

همچنین ۱۸۰هزارکارگرحمل ونقل عمومی‌ایتالیادرروز۲۶شهریور۵۸به‌یک اعتصاب ۲۴ساعته‌دست‌زدند.

دربی‌این‌اعتصاب‌وضع ترافیک در این‌کشورمختل‌شد.

این‌اعتصاب‌دربی‌درخواست‌اتحادیه کارگری‌برای‌انعقادیک‌قراردادنجدیدکار افزایش‌دستمزدصورت گرفت.

اعتصاب ده هزار نفری کارگران نفت در هند

بیش‌ازده‌هزارکارگرشرکت‌نفت‌هند روز۲۲شهریور۵۸دست‌به‌یک‌اعتصاب زدند.

دربی‌این‌اعتصاب‌این‌کشورباکمبود موادسوختی‌روبروشدوشرکت‌هواپیمائی هندمجبورشداکثرپروازهای‌خودرالغوکند.

کارگران‌شرکت‌نفت‌هندکه‌بخشهای بازاریابی، پالایشگاه‌وخط‌لوله‌رادربر می‌گیرد، خواستارافزایش‌دستمزدورفاه بیشترهستند.

تظاهرات علیه رئیس‌جمهور نظامی السالوادور

دربی‌یورش وحشیانه‌گاردباصطلاح ملی السالوادورباتظاهرکنندگان‌ضد دولتی، درروز۲۵شهریور۵۸درسان سالوادورکه‌فریادمی‌زدند "قیام‌تنهاراه نجات‌است" وکشته‌شدن‌تعدادبیشماری از مردم السالوادور، رژیم نظامی "کارلوس زومه‌رو" یک‌گام به سقوط نزدیک‌شد.

دراین‌میان‌جولیوفلورس‌رهبر "بلوک انقلابی‌خلق‌السالوادور" که‌شامل اتحادیه‌دهقانان، کارگران‌ودانشجویان است، خواستاراستعفای‌رئیس‌جمهوری نظامی‌این‌کشورشدواعلام کردکه‌تظاهرات خیابانی ضددولتی همچنان ادامه‌خواهد یافت.

آیا ایران به اسرائیل ...

بقیه‌ازصفحه ۸

تحویلی به کشتی بریتیش تریبنت که در تاریخ ۱۴ /۵۸/۶ازاسکله شماره ۵ خارک بارگیری نموده وبه مقصدعین الفخحا حمل گردیده است برای چه کشوری‌است؟

تحقیقاتی که به‌عمل آمده است مقصد فوق یعنی عین الفخنا ذرکانال سوئزمی باشد. وجزو بنادر کشور مصر می باشد. ازطرفی دولت‌ایران بامصر روابطی نداردواین یک علت مشکوک می باشدکه‌آیااز‌این طریق اسرائیل تغذیه نمی گردد؟وچه چیزی تضمین کننده این موضوع است که ازطریق اسرائیل‌بطور غیرمستقیم‌نفت‌داده نمی شود. باتوجه به اینکه بعد از انقلاب تاکنون کشتیهای‌مختلفی برای این مقصد بارگیری نموده است. همچنین کشتی‌اجدبیادرتاریخ ۵۸/۶/۱۱ازاسکله ۱۱۲ خارک نفت برای مقصد نامعلومی می برد. بعدازچند روز مقصد آن از تهران به خارک گفته می شوداروپای غربی. واین هم خود یکحالت مشکوک‌می باشدچون قبل ازانقلاب فقط‌کشتیهای اسرائیل بدون‌مقصدبودند که‌بعدازعدن‌به‌آنهاگفته‌می‌شد.

خواهشمند است این موضوع را روشن نموده تاحالت مشکوک‌بودن برای عده‌ای از کارکنان‌که‌درامرصادرات نفت نقش مهمی دارند، ازبین برود. باتشکر

اداره نظارت برصادرات مواد نفتی ناحیه خارک

اکردولت موقت ازآن روزهاملات تجاری شرکت ملی نفت ایران وافریقای جنوبی (باتوجه به مدارکی که ارائه شده بود) اظهاربی اطلاعی می کردمطمئنا حالا بایدبداند که محموله‌کشتیهای بریتیش تریبنت واجدبیا راهی کدام کشورامیریالیستی وصهیونیستی است؟ اگر بازهم نمی داندشایدمتن خبری که خبرگزاری رویتر مخابره کرده است تاحدودی روشنگر قضیه باشد. چون اگردقت کنیم قرابت زیادی‌بین قرارداد مصرواسرائیل. برسرفروش نفت سینا" وکشتی هائی که ازایران به طرف " مقصدعین الفخحادرکانال سوئز حرکت کرده است وجوددارد.

متن خبر خبرگزاری رویتر

بیت المقدس- رویتر ۲شهریور۵۸

مناخیم بگین نخست وزیراسرائیل دیروز گفت که امکان خریدنفت ازمصررا درملاقاتش باانور سادات‌که ماه آینده درحیفا صورت خواهد گرفت، مورد مذاکره قرارخواهد دادکه وی به کمیته دفاع وامور خارجه پارلمان اسرائیل گفت که‌امکان‌خریدنفت‌ازچاههای سیناومساله نفت راباسادات مورد مذاکره قرارخواهد داد. مقامات دولت اسرائیل اظهار امیدواری کرده‌اندکه سالانه دومیلیون تن نفت ازچاههای نفت سیناکه قرار است تاپایان سال جاری به مصرتحویل دهدخودداری کنند.

سلب آزادی مطبوعات زمینه‌ای برای سرکوب خلق

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸
سال اول- شماره ۳۳ صفحه ۵

بخشی از پیام دانش آموزان مبارز کرمانشاه به مناسبت اعدام رفیق گرجی بیانی

درود بیکران خلق به رفیق شهید...

بقیه از صفحه ۸

آنها گرجی را در کرمانشاه، در خانه خود دستگیر کردند و بعد از مدتی خیلی کوتاه بی‌شرمانه او را به جرم دروغین دخالت در جریانات پاوه به گلوله بستند همین. راستی آنها شرم نمی کنند؟ آن اسلامی که اینهمه از عدل و انصافش دم می زدند این است؟ پاسداران در شهر جمع کرده‌اند که یک چمدان اسلحه از خانه گرجی بیانی به‌دست آمده است. این شایعات فقط برای توجیه جنایاتی است که خیلی وحشیانه مرتکب شده اند.

بیان برنده و کوبنده او، ذهن کنجکاو و هوشیاری او از هر سلاحی برای ارتجاع و دشمنان آگاه کشنده تر بود. با تیرباران گرجی انگار از هر خانواده کرمانشاهی جوان برومندی را تیرباران کردند. هر خانواده‌ای که بچه مدرسه رو داشت گرجی را می شناخت. همه گرجی را می شناختند. تمام معلمان نیز به داشتن همکاری چون گرجی افتخار می کردند و می کنند و به همین وجه از کنار شهادت رفیق مبارزشان بی تفاوت نخواهند گذشت.

راستی چه شده است؟ چه اتفاقی افتاده است؟ مگر همینها نبودند که با کینه و نفرت به آدمکشها و بی رحمی های شاه خائن اعتراض می‌کردند. پس چرا حالا خودشان بی‌خود و بی جهت آدمهای خدمتگزار و انقلابی را به جرم "ضد انقلاب" و توطئه علیه جمهوری اسلامی تیرباران می کنند. ساواکی ها و آدمکشان حرفه ای را می بخشند و آزاد می گذارند. آنوقت ده نفر ده نفر از فرهنگیان و مردم صدیق را تیرباران می کنند.

آنهایی که می گفتند.

"بازرگان. با امریکا و عواملش انقلابی عمل کن" آنهایی که می گفتند "زمینهای سلطنتی و گردن کلفتها را بین دهقانان بی زمین و زحمتکش تقسیم کن، آنهایی که می گفتند "تمام سرمایه‌دارهای امریکائی اخراج شوند و کارخانه ها را شوراها اداره کنند" آنهایی که می گفتند" تمام قراردادهای اسارتبار نظامی با امریکا را لغو کن" و آنهایی که می گفتند... همه "ضد انقلاب" شدند. همه فاسد شدند. همه پست و رذل و خائن به دین و ملت شدند. همه خرابکار شدند همه شان خرمن مردم را آتش می زدند و بعد دیدیم که این دولت و آن شورای انقلاب، با تمام روشنفکران مترقی و زحمتکش ما، با تمام فرزندان دلیر و شیفته آزادی و مساوات" انقلابی "عمل کردند. همه را چه وحشیانه به رگبار گلوله بستند. خیلی راحت در عرض چند ساعت همه را مفسد فی الارض و محارب با خدا تشخیص دادند و تیرباران کردند. شهر خاموش شد. سکوت غم انگیز و سنگینی بر شهر حاکم شد. همه شوکه شده بودند. گیج بودند. توی این فکر بودند که چه بر سرشان دارد می آید.

ما گرجی را دوست داشتیم و داریم گرجی به ما درس مبارزه آموخت. گرجی معلم ما بود. اولین بار گرجی بود که با افشاگری های شجاعانه خود در سر کلاسها چشم و گوش ما را باز کرد. وقتی که از اوضاع کلافه می شد دیگر بی محابا همه چیز را می گفت و عقده دلش را خالی می کرد. می گفت. "دلم می خواهد همه شما بروید دانشگاه". می گفت "همه شما از بچه‌های زحمتکشید، محرومیت دیده اید. دانشگاه بروید، خیلی چیزها دستگیرتان می شود". بچه‌ها را به فکر کردن و کتاب خواندن تشویق می کرد. برای سال آخری ها صبحهای زود ساعت شش و نیم تا هشت کلاس کنکور می گذاشت و با بچه‌ها به قول خودش تست کار می کرد. وقتی که درس می داد فقط فرمول خشک نبود، بحث می کرد و خیلی هوشیارانه بحث را به مسائل اجتماعی می کشاند.

ما گرجی را دوست داشتیم. همه گرجی را دوست داشتند. همه خون پاک و شریف شهید گرجی را با ادامه راه گرجی با پاسداری از آرمانهای گرجی پاس می دارند.

از دولت بازرگان و مرتجعین و دار و دسته شان بیشتر از اینها توقع نداشتیم. چون خودشان هم کم بازیا د از همان طایفه "پولدارها و کردن کلفت ها و مفتخورها هستند. خودشان هم می خواهند به طریقی سوار شوند و تا ابد سوار باشند. اینها کارگر یا کارگرزاده یا دهقان و زحمتکش نبوده اند که از این کارهایی که می کنند آدم تعجب کند.

و اینها، همه زنگ خطری است برای مسلمانان خوشبین و ساده لوح. و ما دیدیم چقدر راحت از مزدورانی چون چمران ها و فلاحی ها قهرمان ملی، قلابی ساختند همچنانکه ارتش ملی قلابی ساختند، همچنانکه ارشاد ملی قلابی ساختند همچنانکه طب ملی قلابی ساختند، همچنانکه بانک ملی قلابی ساختند همچنانکه صنایع ملی قلابی ساختند. همچنانکه پاسدار انقلاب اسلامی قلابی ساختند. همچنانکه مجاهدین قلابی ساختند و همچنانکه خیلی چیزهای قلابی دیگری ساختند.

آیا مگر می شود برکوه آتشفشانی که رویش را مدت کوتاهی است برف گرفته خندید؟ نه. آنها که می خندند حتما از آتش مذاب در دل کوه بی خبرند. آری این کوه با این قلب پر از آتش حتما روزی - دیر یا زود - منفجر می شود و آنوقت برف که سهل است تانک و توپ و ژ - ۳ را هم ذوب می کند و دهان آنکس را که فرمان آتش داد تا سینه برادر بزرگمان، رفیق باشعور و باشوقمان را سوراخ سوراخ کند، ابتدا از هم می درد و آنگاه می سوزاند راستی آبا روده‌های از هم پاشیده و سوخته مردوران آدمکش رژیم پهلوی را بر سر شاخه‌های درختان کنار خیابان ندیدید؟

مرگ بر امپریالیسم امریکا و مرتجعین وابسته به آن

دانش آموزان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشاه

راهپیمائی دانش آموزان تبریز

طلیعه تداوم بیداری

در آستانه سال تحصیلی جدید

بعد از قیام چنین پنداشته می شد که هیئت حاکمه دست کم این توان را دارد که در نهادهای اجتماعی به تغییر رابطه‌ها و ضابطه‌ها بپردازد و از این رهگذر خود را انقلابی بنمایاند. اما ماهیت ضد دموکراتیک و ضد کارگری هیئت حاکمه برای تحکیم مواضع نظامی و اقتصادی امپریالیسم آنچنان یورشی به دست آوردهای سیاسی قیام خونین خلق برد که برای همیشه بر این پندارها خط بطلان کشید.

رژیم کنونی که پرشتاب در راه منافع غارتگران جهانی و ارتجاع داخلی گام بر می دارد ناگزیر از بحران هائی که در پیش دارد، به ویژه بحران های نزدیک سیاسی و فرهنگی غافل مانده است و چنین است که در آستانه احتمالی وقوع هر بحران به تلاش های مذبوحانه برای تحمیق مردم به ویژه نیروهای جوان و مبارز کشور دست می زند.

آموزش و پرورش که به دلیل تجمع و ترکیب نیروهای جوان جامعه با پایگاههای طبقاتی گوناگون ماهیتا نهادی سیاسی نیز هست، با توجه به رشد سیاسی این نیروها در جریان جنبش خلق و ادامه پرشور این مبارزات از قیام تا امروز و با توجه به رهنمود های دموکراتیک و انقلابی نیروهای پیشگام جامعه، پس از این یکی از کانون های پرتپش مبارزه برای بازستاندن دستاوردهای به غارت رفته قیام خواهد بود.

تردیدی نیست که دانش آموزان کشور با بهای دیگر نیروهای مترقی و مبارز لحظه‌ای در برابر اجحاف و سانسور و خفقان آرام نخواهند نشست و مدارس را به کانون های کوچک آموزش و مبارزه بدل خواهند کرد زیرا پس از آن همه تجربه خونین امروز به روشنی پیداست که پذیرش هرگونه آموزشی جدا از آزادیهای سیاسی به مفهوم تن دادن به سرکوب و اختناق و نابودی فرهنگ مبارزه خلق و پیشگامان روشنگرش خواهد بود.

و هم از این روست که طلیعه مبارزاتی راهپیمائی دانش آموزان تبریز برای لغو شهریه و اعلام رسمی آزادی فعالیت های سیاسی، بشارت و سرآغازی دیگر است.

انبوهی از دانش آموزان دبیرستان های تبریز در تاریخ ۲۲ شهریور ۵۸ بعد از اجتماع در دبیرستان دهقان، به خیابان آمدند، بهم پیوستند و با وجود تهدید و ارعاب ژ - ۳ بدستان دسته دسته خود را به اداره کل آموزش و پرورش رساندند.

شعارهای این راهپیمائی که نشانه سیاسی مبارزاتی نیروهای جوان کشور است لغو شهریه بود. آزادی فعالیتهای سیاسی بود. تشکیل شوراهای منتخب دانش آموزان بود و نیز تصفیه مدارس از عوامل ساواک و اعلام اسامی تصفیه شدگان. آنها در اعلامیه خود تاکید کرده بودند که وجود شهریه تحکیم مبانی جامعه طبقاتی است.

مدیر کل آموزش و پرورش در نتیجه این اعتراض متشکل و موثر در تاریخ ۲۴ شهریور ۵۸ تنها به اعلام رسمی لغو شهریه بسنده کرد و در مورد آزادی فعالیت های سیاسی به قول شفاهی پناه برد.

دانش آموزان فریاد می زدند. "ما از مراجع قانونی قولهای شفاهی بسیار شنیده‌ایم. "آنها تاکید داشتند که باید رسما فعالیت های سیاسی آزاد اعلام گردد. آنهم نه تنها با بخشنامه. آنها خواستار آن بودند که آزادی فعالیت های سیاسی رسما از رادیو و تلویزیون نیز اعلام گردد.

شعارهای این تظاهرات شامل اینها بود.

شهریه مدارس الغا باید گردد.
فعالیت سیاسی آزاد باید گردد
شوراهای منتخب تشکیل باید گردد
گرفتن شهریه، مستضعف را مستضعف تر می کند
الغا شهریه مورد درخواست ماست، آزادی سیاسی ندای قلبی ماست

تظاهرات و راهپیمائی دیپلمه های بیکار در تهران

جمعیتی بالغ بر سه هزار نفر از دیپلمه‌های بیکار که مدارک خود را در هوا تکان می دادند ساعت حدود یازده و نیم روز یکشنبه اول مهر از خیابان استاد مطهری (تخت طاووس) تا نخست وزیری راهپیمائی کردند. آنها ابتدا به دنبال چاپ آگهی استخدام در هواپیمائی ملی در آنجا جمع شده بودند و بعد از آنکه تعداد محدودی از دیپلمه‌ها پذیرفته می شوند، از بقیه خواسته می شود که محل را ترک بگویند. و در مقابل اعتراض دیپلمه‌ها، چند پاسدار اقدام به تیراندازی می کنند. به دنبال تیراندازی، جمع بیکاران نه تنها متفرق نمی میشود بلکه به دادن شعار می پردازد که.

"دولت انقلابی چرا تیراندازی"

در اینجا جمعیت شروع به حرکت کرد و مسیر تخت طاووس تا نخست وزیری را با شعارهائی از این قبیل پیمود. "ما دیپلمه بیکاره هستیم"، "مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری"، "بیکاری، بیکاری عامل هر فساد است"، "دیپلمه‌های بیکار باید برن سر کار" "اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار".

تعدادی از قشریون که در انتهای صف متمرکز بودند سعی داشتند فقط شعار "ما دیپلمه بیکاره هستیم" داده شود.

تظاهر کنندگان حدود ساعت یک به نخست وزیری رسیده خواستار رسیدگی به مسئله بیکاری شد، اما بعد از مدتی بدون هیچ مذاکره و نتیجه‌ای متفرق شد.

در مسیر راهپیمائی وقتی صف تظاهر کنندگان به مقابل خانه کارگر در خیابان انوریحان رسید چند سرباز سر را از پنجره خانه کارگر که از چندی پیش اشغال شده است، بیرون آوردند که یکنفر از میان تظاهر کنندگان گفت "نگاه کنید به جای اینکه در خانه کارگر، کارگر باشد تا دلتان بخواهد سرباز هست. این نشانه دولت انقلابی است

بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور:

"آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟"

هفدهم شهریور سرآغاز فصلی خونین بر تاریخ مبارزات خلق قهرمان پرور ایران است. سالی از آن روز خونین گذشت. روز فریاد و گلوله و پیام خلقی مبارز برای سرنگونی رژیمی فاسد و جلاد.

دستور وحشیانه ترین کشتار قرن به وسیله شاه خائن داده شد و ارتش مزدور مامور اجرای این جنایت هولناک گشت. میدان ژاله از صبح زود جولانگاه تانک ها و مزدوران نظامی شد. تانک ها و مسلسل ها در اطراف میدان ژاله مستقر شدند و مزدوران موضع گرفتند تا با کشتار خلقی قهرمان، به اربابان امریکایی شان فرصت بیشتری در غارت و استثمار خلق زحمتکش میهنمان بدهند. و چنین بود که ژاله میعادگاه جدال مشت و گلوله شد و میعاد مردمی برای شهادت و رهایی از رژیم دیکتاتوری و فاشیستی شاهنشاهی.

ارتش شاهنشاهی، تربیت شده مستشاران نظامی و سیای امریکا و سرکوب کننده مبارزات حق طلبانه خلق‌های تحت ستم منطقه مانند ظفار اینک سراپا مسلح آماده بود تا در میدان ژاله دریای خروشان خلق را به گلوله ببندد. فرمان آتش به وسیله فرماندهان خودفروخته صادر شد و حماسه آفریده گشت. حماسه هفده شهریور سند ننگ امریکا و ارتش مزدورش و افتخار خلق قهرمان ایران شد.

اینک سالی از آن روز سرخ شهادت می گذرد. شهیدان گلگون کفن در بستر نمناک خاک خفته‌اند. شاه گریخت و امپریالیسم امریکا از هجوم خلق گامی به عقب نشست و ارتش شاهنشاهی در روزهای حماسه آفرین بهمن از قهر انقلابی توده‌ها ضربه ای جانانه خورد و می رفت تا با خشم انقلابی خلق ماشین سرکوبگر دولتی از هیچ و پوچ نابود شود. اما با گذشت روزها و ماهها کوشش فراوان شد به لطائف الحیل از شور انقلابی توده ها بکاهند و رهبران خائن به جای ویران کردن نهادهای سرکوبگر گذشته، دستور ترمیم و مرمت آنها را صادر کردند. اکنون بعد از گذشت چند ماه از قیام بهمن بر ارتش چه می گذرد؟ پرسنل انقلابی که در میان قیام با خالی کردن پادگانها و بازگشت به آغوش خلق خود در راه سرنگونی رژیم پهلوی جانفشانی کردند در تلاشی بی گیر و شبانه روزی بر آن شدند تا مسائل اجتماعی - اقتصادی را در درون پادگانها ببرند و با مشارکت نظامیان آنها را به کم و کیف امور آگاه کنند و با سیاسی کردن ارتش رسالت واقعی آنها را که حفظ منافع زحمتکشان است به آنها تفهیم نمایند. اما امپریالیسم و ارتجاع داخلی که منافع خود را موقتا از دست داده است بیکار ننشست و به اختلافات عقیدتی و قومی دامن زد و از سوی دیگر بانگ برافراشت که مملکت در شرف تجزیه است و تنها راه نجات ارتش است تا سیل سلاحهای نظامی دیگر بار به ایران سرازیر شود و ثروت مملکت به تاراج رود و ارتش به عنوان چماق سرکوب سرمایه‌داران، جانی تازه بیابد.

ورود نظامیان در احزاب ممنوع شد و شوراها یکی بعد از دیگری از درون تهی و فرمایشی شدند. پرسنل انقلابی از ماهها قبل خواستار آن بود که برای حفظ دستاوردهای قیام خونین ارتش در امر مسائل درون مرزی شرکت ندهید...

فرمان بسیج عمومی صادر شد و نظامیان بر سر دوراهی رفتن یا نرفتن قرار گرفتند. مگر تا همین دیروز رهبران فعلی فریاد نمی زدند "نظامیان برروی مردم آتش نگشائید و از پادگانها فرار کنید". مگر تا همین دیروز فریاد "برادر ارتشی چرا برادر کشی؟" در خیابانها طنین نمی افکند؟ مگر تا همین دیروز کسانی که برروی خلق خود آتش گشوده بودند به جوخه‌های آتش سپرده نشدند؟ پس فرمان امروز با کشتن دیروز چه می شود؟

عده‌ای از نظامیان تحریک شده و عناصر وابسته به رژیم سابق همراه با پاسداران برای کشتار خلق گرد از یکدیگر پیشی گرفتند و عناصر کارد جا و بدان در لباس پاسداران به سوی خلق بی پناه گرد آتش گشودند. پرسنل انقلابی که با خود عهد بسته اند بر روی خلق خود آتش نگشایند بر میثاق خود ماندند و از رفتن خود داری نمودند و اینک به جرم "تمرد" در سیاهچالهای جمشید به انتظار بیدادگاههای شاهنشاهی هستند. و ۹ نفر از پرسنل نظامی که به علت محاصره بودن پادگان به محل خدمت دیر رسیده بودند تحت عنوان "ضد انقلاب" تیرباران شدند و عده‌ای نیز از پادگان تربت حیدریه گریختند.

پرسنل انقلابی با ایمان خود به مبارزات حق طلبانه خلق ها اعلام می دارد کسانی که ارتش را برای اعمال قدرت و سرکوبی خواسته‌های قومی و درون مرزی به کار می گیرند آگاه یا ناآگاه چهار نعل به دامن امپریالیزم می تازند اینک ارتش شاهنشاهی عامل کشتار سی تیر، کودتای ۲۸ مرداد و ۱۷ شهریور و... می رود تا سنگرهای از دست رفته را به دست آورد و راه را برای ورود امپریالیزم آماده کنند.

اعلام ممنوعیت نظامیان به احزاب، بازسازی ضد اطلاعات و شورای تداوم انقلاب، عفو عناصر مزدور و بازگرداندن آنها به مشاغل حساس، انحلال شوراها و یکه تازی ژنرالهای امریکائی، اعدام و شکنجه و زندان پرسنل انقلابی نشاندهنده آنست که در آینده‌ای نه چندان دور هفده شهریورهای دیگری را به چشم خواهیم دید.

پرسنل انقلابی

خطاهای ما و عوامفریبی های...

بقیه از صفحه ۸

اصلا انتظار نداریم آنها صادقانه برخورد کنند و این راهم زیر آن شرح کشاف اضافه کنند که ما از روی تکذیب و توضیح خود روزنامه کار فهمیدیم که سند اشتباهی چاپ شده است ولی با این همه ترجیح می دهیم علیه فدائیان سمپاشی کنیم زیرا فدائیان طرفدار طبقه کارگر و خواهان محو استثمار و مخالف سرمایه‌داری هستند و ما طرفدار طبقه سرمایه‌دار هستیم."

همچنین است در مورد آن پوستری که جنایات ارتش را در جنگ سنندج نشان می دهد. ما اطلاع داشتیم که هواداران سازمان در سنندج پوستری چاپ کرده‌اند که یکی از عکسهای آن اشتباهی بوده و بلافاصله مورد تکذیب دفتر هواداران سنندج قرار گرفته است. اما مرتجعین این پوستر را هم در کنار آن سند صورت حساب چاپ کرده‌اند و به درودیوار چسبانده اند و هنوز هم بعد از ۲ ماه فالانژها دور آن جمع می شوند و با انگشت برای مردم توضیح می دهند که ببینید فدائیان دروغ گفته‌اند. اما جالب است که وقتی مردم می پرسند شما از کجا متوجه شدید که عکس و سند اشتباهی است هرگز نمی گویند قبل از اینکه ما این پوسترها را چاپ کنیم خود سازمان از اشتباهی که رخ داده بود در سمینار عذر خواسته بود و ما از آنجا فهمیدیم که اشتباه شده است. به هر حال اینها در مقایسه با مجموعه وظایف و مسئولیت هائی که بر دوش ماست ظاهرا ناچیز به نظر می رسد، اما باید توجه داشت که ارتجاع موذی تر از آنست که از هر خطای کوچک ما کوهی نسازد و علیه ما عوامفریبی نکند. از اینرو ما موکدا موظفیم که همواره ضمن بکار بردن کمال دقت در پخش اخبار، انتشار اسناد افشاگری سیاسی و غیره مواظب باشیم که چنین خطاهائی تکرار نشوند و در عین حال باید این عوامفریبی ها و مانورهای موذیانه ارتجاع را قاطعانه افشا کنیم و اجازه ندهیم این خبرگان عرصه تزویر و ریا و این حریفان حرفه‌ای نفاق بیشتر از این ذهن مردم زحمتکش را به زهر جهل و خانمانسوز آلوده سازند.

در اهتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۳۳ صفحه ۶

کنفرانس وحدت با موضعگیری سیاسی خود در کردستان با ارتجاعی ترین جناح هیات حاکمه همصدا شده است . (قسمت دوم)

مساله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کرد جدا نیست

درشماره قبل موضع ارتجاعی " کنفرانس وحدت درراه آزادی طبقه کارگر " رادررابطه بامبارزات خلق کرد موردارزیابی قراردادیم وگفتیم که چگونه " کنفرانس وحدت " بادیدگاههای التقاطی خود وچسبیدن به تز انحرافی و مرتجعانه سوسیال امپریالیسم هنوز تکلیف خود راباصف نیروهای انقلاب وضد انقلاب ، باصف نیروهای مترقی ومرتجع روشن نکرده است وبدون اینکه عملا در مبارزات توده‌ها شرکت داشته باشد ، تنهاباتکاء به‌عبارت پردازی های کلی وفرصت طلبانه به همصدائی باارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه وادارشده‌است .

حال دراین قسمت ضمن اینکه نمود عملی این دیدگاه التقاطی رادررابطه مشخصی بامبارزات خلق کرد بررسی می کنیم موضع خود رانسبت به حزب دموکرات کردستان نیزروشن نمودمورابطه بین مسئله ملی ومبارزات طبقاتی خلق کردرابه اختصار شرح خواهیم داد .

کنفرانس چی ها دراینجاتنها مشت خود رادرزمینه همصدائی باارتجاع حاکم رونکرده‌اند . دیدگاه ودرکی که ارائه داده‌اند به‌غایت بورژوائی وغیر پرولتری است . کجای فرهنگ مارکسیستی بزای حمله به یک جریان آنرا " وابسته‌به بیگانه " معرفی می کنند .

ببینید چقدر وتاکجا آشکارا انترناسیونالیسم پرولتاریائی برباد رفته‌است کنفرانس چی های ما فراموش کرده اند کی‌هستند وازچه کسانی دفاع‌می کنند ؟

برای آنان که واقعا درراه‌آزادی‌طبقه کارگرمی رزمند بیگانگان ووابستگی به بیگانه تنهاواژه‌هائی است که بورژوازی برای تحمیق پرولتاریاوماستمالی کردن خط‌ومرز طبقات به کارمی برد . شعار مارکسیست‌های واقعی این است

" پرولتاریای سراسرجهان متحد شوید . "وواژه‌هائی‌چون اجنبی و اجنبی پرستی سلاح کهنه‌وکندی است که بورژوازی علیه این شعاربه کارمی گیرد . تاریخ ثابت کرده است که میهن پرستان واقعی مارکسیستهاهستند . منتها بایددیدکدام میهن؟ میهن‌سوسیالیستی یابورژوائی ؟ مگرنه اینکه مارکسیسم قرارگیرد . ماهمواره ضمن تاکیدبروظایف انترناسیونالیستی‌پیشرو پرولتاریاکه وجه مشخص آن پشتیبانی ازجنبش ها ی رهائی بخش خلقهای تحت‌سلطه‌وحمایت ازمبارزات پرولتاریای کشورهای‌سرمایه ـ داری‌است ،براستقلال‌عمل‌هریک‌ازآنها تاکیدکرده‌ووظیفه‌تدوین خط مشی‌وبرنامه وتاکتیک‌این باآن‌حزب‌کمونیست را برعهده‌خود آن حزب‌و اساسی ترین‌وظیفه آن حزب دانسته‌ایم . مابراین موضع خود تابدان حدتاکید داریم که معتقدیم جریانهای‌مارکسیستی که این موضع رانپذیرند ، حتی چنانچه به فرض محال درسایر زمینه‌هاهم‌اشتراک نظرداشته باشند نمی توانند دریک سازمان واحد گردهم آیند .

کنفرانس وحدت درشناخت‌موقعیت وتشخیص صف بندی‌نیروهااساساکور است . کنفرانس مفهوم مبارزه طبقات و درگیری نیروهارالمس نمی کند ، چراکه عملا درچنین مبارزه‌ای شرکت ندارد .زیرا دربیانیه ۱۷ مرداد خوددرشرایطی که براثر فعالیت مصطفی چمران ودار و دسته مرتجع وسرسپرده اش اوضاع در کردستان به شدت بحرانی شده وبرای متحدکنید ؟وچرامی خواهیدهمه رادر آن واحد به جنگ‌باخلق کردبکشانید ؟

تصریح‌می‌کنیم‌خطرناک‌ترین‌و خیانت کارترین نیروهای‌ارتجاعی سازمان یافته کُرد "قیاده‌موقت "است . (تاکید می‌کنیم‌نیروی‌کرد)

وبراین اساس می توانیم بگوئیم که درراه افشاگری وشناسانیدن ماهیت‌آن‌پیگیرانه وبیش ازهمه تلاش کرده ایم . بگونه‌ای که امروزدیگر قیاده موقت ازصفوف خلق‌کرد کاملا بیرون رانده شده وماهیت‌ارتجاعی ووابستگی‌آن‌به‌امپریالیسم وصهیونیستهای اسرائیلی افشاکردیده است . بااین همه درشرایطی که جنایات ارتجاع حاکم اینگونه درکردستان بیدادمی کند ،نباید خلق کردرااباِلبهانه زیر شعار " پیش‌بسوی اخراج قیاده موقت " کشیدوبدین وسیله نیروهای مبارز کردراغافلگیر کرد . این شعاردراین شرایط چنانچه ناشی ازبلاهت سیاسی نباشد (که به اعتقاد ماهست) توطئه آگاهانه ایست علیه خلق کرد .

* * *

سازمان مادرروزهای‌قبل‌ازاوجگیری تشنجات درکردستان ، درفاصله تیر و مرداد ، ضروری می دانست که موضع خود رادرقبال تحلیل هاوخط مشی های سازمان های سیاسی کردستان اعلام نماید . امابابحرانی شدن اوضاع‌وقشون کشی گسترده ارتجاع به کردستان‌مابه درستی به این نتیجه رسیدیم که در آن روزهای حساس‌هرتحلیلی‌که‌بهانه‌بدست نیروهای ارتجاعی‌وابسته به بورژوازی وخرده بورژوازی داده ووسیله محکومیت نهضت خلق کردوسازمانهای سیاسی آن قرارگیرد چیزی جزهم نوائی باهیات حاکمه نخواهدبودوبی شک چنین برخوردی درآن روزهابرخوردی بی نهایت فرصت طلبانه بود .این برخوردهاهمان برخوردی است که حزب توده درکاربست آن مهارتی خاص یافته است .

بعلاوه ماخود راموظف می‌دانستیم دربرابر تلاش وسیع رژیم برای لجن‌مال کردن حزب دموکرات وازآن میان باز کردن راه برای سرکوب نهضت خلق‌کرد به‌دفاع از آنهابرخیزیم این شرط صداقت انقلابی بود ومی بایست با صراحت وروشنی تمام‌بیان می شد .

کنفرانس وحدت دریک موضع ارتجاعی چنانکه گفتیم چنین نکردوحزب توده بااَن پز ترحم انگیزش به دریوزگی ارتجاع رفت که " می بینید مانیستیم پس چرامارااذیت می کنید ؟ "همه شنیدندکه اولی دموکراتهارا " جاسوس عامل بیگانه " معرفی کردودیگری‌مقاومت خلق کرد وسازمانهای سیاسی‌آن‌را موذیانه تحت عنوان خررنگ کن "ضد انقلاب " کشیدوسعی کردپای خود را از ماجرابیرون بکشد .

مادفاع‌ازسازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ، حزب دمکرات کردستان وسازمان فدائی وسایر نیروهای نهضت مقاومت خلق کردرادربرابردولت مرکزی وارتجاع حاکم وظیفه همه نیروهای مبارز وانقلابی می دانیم‌واعلام موضع قاطع دربرابر خواست‌خودمختاری خلق‌کردوتائیدقاطع حق‌تعیین‌سرنوشت خلق کردراتنهاموضع واقعاپرولتاریائی می‌شماریم‌ودربیانیه کردستان‌ودرشماره های نشریه کار نیز مابرهمین اساس حرکت کرده ایم .

مابه صراحت نشان داده ایم که آنچه رژیم درمورد حزب دموکرات کردستان می گوید عوامفریبی محض است بااین همه می پذیریم که بیانیه کردستان نتوانست تصویر واقعی‌ودرستی ازحزب دموکرات کردستان ارائه دهدو ازآنجاکه تحلیل جامعی ازحزب‌دمکرات کردستان تا کنون ارائه نشده است موضع سازمان درباره این حزب‌درذهن‌نیروهاعملا مخدوش شد . ازاین رو ضروری می‌دانیم درپایان این مقاله‌تحلیل وموضع خود را نسبت به حزب دموکرات کردستان‌ارائه دهیم :

■ کوشش درجهت عمده‌کردن‌مسئله ملی وتحت پوشش‌آن به استقبال آشتی طبقات رفتن‌یک سیاست کاملابورژوائی است .

۱ـ تاریخچه

حزب دموکرات کردستان باحدود ۳۵ سال سابقه قدیمی ترین سازمان سیاسی کردستان است . این حزب‌پس‌از شکست حکومت ملی ومحلی قاضی محمد درسال ۲۵ به شعبه ایالتی حزب توده ایران بدل می شودکه فقط تحت پوشش نام دموکرات عمل می‌کرد . درسال ۳۷ و۳۸ رهبران آن دستگیر وبه عنوان‌کمیته ایالتی حزب توده ایران شناخته شدند . تاسالهای ۴۰ همه عناصر ملی ومبارزکرد دراین حزب فعالیت می کردند وبه‌جزآن هیچ جریان سیاسی دیگری‌درکردستان وجود نداشت . امااز‌نیمه دوم دهه ۴۰ نیروهای سیاسی رادیکال تربااعتقاد به امر ملی طبقاتی ازمیان همان جریان قدیمی شکل می گیرد . طی‌سالهای ۴۷ـ۴۲ یک جریان رادیکال ملی که‌برسر شیوه عمل‌ومبارزه‌درداخل ایران‌بارهبری حزب اختلاف داشت بانام"کمیته‌انقلابی حزب دموکرات " آغازبه کارکرد که در سطح جنبش بانام جنبش مسلحانه ۴۷ـ۴۶ شناخته شده است .دراین‌جریان وجود عناصر مارکسیست‌نظیرشریف‌زاده رادرکنار ملیون، رادیکال آشتی ناپذیر مانند برادران نعیمی ، ملا آواره ،صدیق انجیری و . . . رامی بینیم .

بعدازشکست این جنبش، رهبری کنونی حزب دمکرات باتکیه براین شکست سیاست بی عملی خود راهرچه بیشتر تحت عنوان برخورد منطقی توجیه نمود وهمچنان درخارج ازکشور درمحفل‌هائی جداازپروسه مبارزه خلق درکردستان باقی ماند .

همین رهبری درنخستین سالهای دهه ۵۰ برسر انتظار حزب توده که خواهان تبعیت آن ازمرکزیت حزب توده بود ، عملا ازحزب توده جدا شده درسالهای اخیربا احیای فعالیت حزب درکردستان بانفوذی که درکردستان داشت به صورت جریانی مستقل ازحزب توده باشعارخودمختاری به فعالیت پرداخت ودرتمام این مدت محورتشکل‌آن مبارزه فرراه کسب‌خود مختاری وعلت وجودی آن اهمیت ستم ملی درکردستان بوده است .ازاین نظر هیچگاه درحزب دموکرات کردستان‌معیار طبقاتی مطرح نبوده است .

۲ـ ماهیت جریان

هم‌اکنون حزب دموکرات‌کردستان چنانچه ازنام آن پیداست نه یک‌سازمان پرولتاریائی که یک سازمان دموکراتیک است که یک جناح آن راناسیونالیستهای کردتشکیل می دهند وجناح دیگر مارکسیستی هائی.(مارکسیسم‌بورژوائی ونه انقلابی)هستندکه بنیاد تفکر آنان‌همان دیدگاههای حزب توده ایران است . این جناح ازلحاظ سیاسی انتقاداتی رابه حزب توده ایران واردمی داندکه اهم آن ظاهرا چنین است :

■ برای پرولتاریابموضوع‌مهم عبارت‌است‌ازتحکیم‌طبقه خویش برضدبورژوازی وتربیت توده‌هاباروح دموکراسی پیگیروسوسیالیسم

لنین

برخورد کمونیستها باحزب دموکرات باید برپایه‌خط مشی‌وسیاست حزب صورت گیردنه‌برپایه‌مبارزه‌با "اپورتونیسم"دردرون‌آن .

منادی‌ومشوق اتحاد کارگران‌باپرولتاریای کشورهای دیگر حتی علیه بورژوازی خود است ؟ کنفرانس باپکار بردن این واژه صراحتا دست اتحاد به سوی بورژوازی درازکرده است وبه طور دربست به راه احزاب خیانتکار انترناسیونال دوم و ایده‌های مرتجعانه کائوتسکی وجریانهای بورژوائی ناب افتاده است .

بورژوازی اینطورتبلیغ می کندکه این خاک میهن است که برای ماعزیز است . مامی گوئیم این مردم زحمتکش میهن ماست که برای ماعزیز است. مردمی که متحد طبیعی همه انسانهای زحمتکش‌سراسرجهانند . خرده بورژوازی امروزمی گوید: اسلام مرزنمی شناسد " وتزوحدت اسلامی رامطرح‌می کند .آنها می گویند وطن ماآنجاست که اسلام حاکم است .وپرولتاریامی گویدماهم مرز نمی‌شناسیم وطن ما آنجاست‌کمرنجبران هستند .

فقط سرمایه‌داری است که می‌گوید: "مامرزی شناسیم . مرزهای میهن ما تا آنجاست‌که بازارهای فروش آن‌دردست ماست . مرز میهن ماتاآنجاست که پرولتاریای آن رااجیر کرده ایم". امروز که کنفرانس به این موضع غلطیده است فرداکه نبردطبقات‌بالاگیرد چه‌خواهدکرد ؟معلوم نیست‌فرداد‌ربرابر اتهامات رنگارنگ بورژوازی چه‌میگوید ؟

درآینجاباید‌یادآوری‌کنیم‌که دنباله‌روی‌ازاحزاب‌کمونیست‌سایرکشورها قبل‌ازآنکه‌وفاداری‌به‌انترناسیونالیسم پرولتری‌بحساب‌آید‌عجزوناتوانی‌ازتکیه‌به نیروی پیکران توده‌هائی‌است که بدون اتکاء برآنهاانقلاب‌هرگزبه ثمرنخواهد رسید .عجزوناتوانی درارائه‌تحلیل‌هائی است که بایدراهنمای‌عمل‌پیشروپرولتار یا هرکسی که بوئی ازسیاست برده باشد مسلم است که یورش سرکوبگرانه‌نیروهای پاسدار وارتش قطعی است . درشرایطی که اندک‌تیزبینی درمسایل ـ که شرط داشتن آن‌حضور عملی درمبارزات توده ایست ـ کاملا مسلم بودکه روزهای آتی روزهائی خونین خواهد بود وارتجاع برای به‌خون کشیدن خلق کرد شعارش معکوس راآغاز کرده است . و بدون هیچگونه تحلیل مشخصی ازتعادل وتوان‌نیروها وبدون‌توجه به موضع هریک ازآنها دردرگیریهاوبدون‌توجه‌به‌مجموعه‌تضادها ورابطه آنهابایکدیگر برای مبارزه خلق کرد "خط مشی! "تعیین کرده است .و در حالی که فانتومهای رژیم برفرازشهرها و روستاهای کردستان به غرش درآمدو باتوپ وتانک وتجهیزات کامل برای سرکوبی خلق کردبه کردستان هجوم برده‌اند وهجوم آنان بامقاومت دلیرانه خلق کرددرکامیاران متوقف مانده است ،کنفرانس وحدت دربیانیه خوددن‌کبشوت‌وارموکدافریادمیکشد :

" پیش بسوی‌اخراج‌قیاده‌موقت "

بایدازکنفرانس‌چی‌های محترم پرسیدهدفشان ازطرح این شعارچیست ؟ آیاابلهانه نیست‌درست درآغازروزهای تهاجم که "قیاده‌موقت "فعلاپای خودرا ازجنگ کنار کشیده واعلام " بی طرفی " کرده است ، مردم رادعوت به اخراج قیاده موقت کنیم ؟خود مردم خیلی‌بهتر ازشماکه همواره‌درون‌ذهنتان‌زندگی می‌کنیدحقایق رادرک وحتی لمس‌می‌کنند شماآنقدرازمبارزه خلق کرد به دور افتاده‌اید که‌نمی بینیددرشرایطی، پاسداران ونظامیان سرکوبگربه‌کردستان یورش برده اند که مردم کردستان با قیاده موقت "مستقیمادرگیری "نداشته‌اند چرامی‌خواهیددشمنان‌بالفعل‌خلق کرد را مختاری وعلت وجودی آن اهمیت ستم ملی درکردستان بوده است .ازاین نظر هیچگاه درحزب دموکرات کردستان‌معیار طبقاتی مطرح نبوده است .

۲ـ ماهیت جریان

هم‌اکنون حزب دموکرات‌کردستان چنانچه ازنام آن پیداست نه یک‌سازمان پرولتاریائی که یک سازمان دموکراتیک است که یک جناح آن راناسیونالیستهای کردتشکیل می دهند وجناح دیگر مارکسیستی هائی.(مارکسیسم‌بورژوائی ونه انقلابی)هستندکه بنیاد تفکر آنان‌همان دیدگاههای حزب توده ایران است . این جناح ازلحاظ سیاسی انتقاداتی رابه حزب توده ایران واردمی داندکه اهم آن ظاهرا چنین است :

۱ـ دنباله روی بی قیدوشرط حزب توده ازدولت شوروی (که‌به‌اعتقاد ما این انتقاد نه ناشی ازاعتقاد به پرنسیب های‌مارکسیستی که ناشی از عملکرد کرایش ناسیونالیستی درهمین جناح به اصطلاح مارکسیست است) .

۲ـ سیاست دنباله روانه حزب توده راازحاکمیت موجود نفی می کنند وپذیرش‌دربست‌رهبری‌روحانیت‌ازجانب حزب توده رابه زیان جنبش ترقی خواه خلق می شمارند (دلیل‌این موضع حزب دموکرات نیز ناشی ازموقعیت انقلابی موجود درکردستان وهمچنین سیاست تنگ نظرانه ، انحصارطلبانه‌وبسیار خصمانه ای است که ارتجاع حاکم در کردستان درپیش گرفته است) .

۳ـ معتقدندرهبری حزب توده که از کنگره دوم حزب در۳۰ سال پیش تا امروز درراس کارهابوده است صلاحیت رهبری نداردوبایدکنار برود .

از آنجاکه ماهمعتقدنیستیم حزب دموکرات کردستان یک جریان‌مارکسیست لنینیست است ماآنرادردرون جنبش کمونیستی ایران قرارنخواهیم داد . ما معتقدیم حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک‌اگرایشات‌لیبرالیستی است وعمدتا متکی به اقشار متوسط خلق کرداست وبرای حل مساله ملی درکردستان مبارزه می کند . این حزب تاامروز کلادرچهارچوب کلی نیروهای جبهه خلق درایران قرارداشته است .

برخوردماباین حزب باید لزوما برپایه‌این‌شناخت‌قرارگیرد .هرنوع ارزیابی نادرست‌ازآن موجب‌می شود که به‌همکاری واتحادنیروهای‌ترقیخواه درکردستان آسیب های جدی واردآید .

برخوردکمونیستهاباحزب‌دموکرات باید‌برپایه خط‌مشی وسیاست آن حزب صورت گیردونه برپایه مبارزه با "اپورتونیسم"دردرون آن . مبارزه‌ایدئولوژیک باآنان نه برپایه تصحیح‌انحراف آنان ازمارکسیسم ـ لنینیسم بلکه برای توضیح ماهیت خرده بورژوائی و دموکراتیسم غیرپرولتری‌حزب برای جنبش کمونیستی ایران است .زیرا شرط اتحاد نیرو باحزب دموکرات دقیقا درهمین مرزبندی قاطع نهفته است .

حزب دموکرات حزبی است معتقد به سازش طبقات وتخفیف مبارزه طبقات درکردستان وحال‌آنکه برای‌هرمارکسیست لنینیست گسترش مبارزه طبقاتی و کانالیزه کردن آن تحت رهبری جریانهای پرولتری‌وظیفهٔ اساسی است حزب دموکرات به دهقانان توصیه می کند اکنون که مسئله ملی درمیان است درست نیست علیه اربابهاوبا زمینداران اقدامی بکنند ."اول‌مسئله ملی راحل کنیم ، بعد به‌اختلافات درونی خودمان بپردازیم". به‌اعتقاد ماکوشش درجهت عمده کردن مساله ملی ونحت پوشش مساله ملی به‌استقبال آشتی طبقات رفتن یک سیاست کاملا بورژوائی است . سیاستی است که نه‌تنها مساله ملی راحل نمی کند بلکه اتکاء به زمینداران وبورژوازی کردباعث می شودکه چرخ مبارزه ملی نیز کندتر شودوخیانت آنان فرصت پیشبرد مبارزه ،ازخلق کردبازستاند .

عمده‌کردن‌مسئله‌ملی‌منحصربه دموکراتهانیست .خلق‌کردعموما درسطوح متفاوت تحت تاثیر ناسیونالیسم قرار داردکه‌طبیعتاناشی‌ازستم‌ملی است .

هم اکنون به ویژه پس ازیورش وحشیانه ارتش وپاسداران وکشتار خلق کرد آشکارا تضادهای طبقاتی بازهم بیشتر به فراموشی سپرده شده‌وتحت‌الشعاع مساله ملی قرارگرفته است . این است حاصل پیشبردسیاستی خرده بورژوائی وبورژوائی ناسیونالیستی که‌درمتن سرکوب وستم طولانی وسنگین سرمایه‌داری ستمگر درجامعه طبقاتی ما نهضت‌خلق‌کردرادرحصارخودگرفته است .

"این شیوه بورژوازی است‌که همیشه خواستهای ملی خود رادردرجه اول قراردهدوآنهارابدون هیچ قید وشرطی مطرح سازد . برای پرولتاریا این خواستهاتابع منافع مبارزه طبقاتی است . ازنظر تئوری نمی توان ازپیش تضمین کردکه آیااین جداشدن ملت‌است که انقلاب بورژوادموکراتیک رابه پایان خواهدرسانید یابرابری حقوق آن با ملت‌دیگر ؟ چیزی که درهردومورد برای پرولتاریا مهم است تامین تکامل طبقه خودمی باشد . برای بورژوازی

بقیه‌در صفحه ۷

سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۳۳ صفحه ۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

کنفرانس وحدت با موضعگیری سیاسی خود در کردستان . . .

مساله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی . . .

بقیه از صفحه ۶

مهم این است که دربرابر این تکامل اشکال تولیدنمایدووظایف آن راتحت الشعاع وظایف ملت "خود" قراردهد."

(لنین ـ درباره خودمختاری
فوریه ـ ۱۹۱۴ میلادی)

آری ، حزب دموکرات "همیشه خواستهای ملی خود رادردرجه اول قرار داده است . "حزب دموکرات بنابه ماهیت غیرپرولتری خود تصورمی کند آشتی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین می نماید وبخصوص تاکیدمی کند که درکردستان هرسیاستی که بخواهد مبارزه ملی راتحت الشعاع مبارزه طبقاتی قراردهد ، سیاستی " غیرعملی " است که ازحمایت توده‌های مردم برخوردار نمی شود . البته این درست است که پیشبرد سیاست های بورژوائی ـ ناسیونالیستی وعدم اشاعه آگاهی سوسیالیستی درمیان توده‌های خلق کرد موجب شده است که تکامل مبارزه طبقات " عملا " کند شود وتحت الشعاع خواستهای " ملی " قرارگیرد . این عملی‌تر بودن پیشبردمبارزه ملی ناشی از شیابتی است که حزب دموکرات سالهاآنرا تعقیب کرده است ، که حاصل آن عدم اشاعه آگاهی طبقاتی وسوسیالیستی در میان توده‌های بتمکش کرداست . طبیعتا اگراین کوشش صرف آشنا کردن دهقانان باحقوق حقه‌خویش می شد این وضع درست برعکس بود .

لنین درپاسخ به این مساله می‌گوید :

" بگذار این " عملی " نباشد ولی درعمل مطمئنترازهرچیز دیگری دموکراتیک ترین راه حل های ممکنه را تضمین می کند . . . آنچه بیش ازهمه مورد توجه بورژوازی است " قابل اجرا" بودن این خواست است وسیاست دائمی و بند وبست وی باپورژوازی ملتهای دیگر به ضرر پرولتاریاازاینجاناشی می شود . ولی برای پرولتاریاموضوع مهم عبارت است ازتحکیم طبقه خویش برضدبورژوازی وتربیت توده هاباروح دموکراسی پیگیرو سوسیالیزم : بگذار فرصت‌طلبان این را عمرعملی بخوانند . ولی علیرغم فئودال هاوبورژوازی ناسیونالیست این یگانه تضمین عملی وحداکثرتضمین برابری حقوق ملی وصحیح است . تمام وظیفه‌ای که پرولتاریا درمورد مساله ملی برعهده دارد ازنقطه نظربورژوازی ناسیونالیست هرملیتی "غیرعملی" است . زیرا پرولتاریادشمن هرگونه ناسیونالیزم است"

(لنین ـ همانجا) .

مقایسه سیاستی که خلق ترکمن تحت رهبری ستاد شوراهاپیش گرفته است ، سیاستی که مضمون اصلی آن تسخیر وسایل عمده تولید (یعنی زمین) واداره آن توسط شوراهای دهقانی است درمقابل سیاستی قراردارد که حزب دموکرات کردستان درقلمرو خود به کار بسته است : چنانچه حزب دموکرات درکردستان نیز ازسپردن قدرت به‌دست دهقانان وتشکیل شوراهای دهقانی واتحاد آنان درقالب اتحادیه های دهقانی دفاع می کرد ، که بنابه ماهیت خودنمی تواند چنین سیاستی را پیش گیرد قطعا همچون ترکمن صحرا مبارزه درراه دفع ستم ملی مقام شایسته خود رامی یافت ودرخدمت مبارزه طبقاتی قرارمی گرفت .

گذشته ازاین عمده کردن مسئله ملی دراین شرایط درست معادل است باتن دردادن به گرایشهای ناسیونالیستی وتنگ نظری های خرده بورژوائی . ما معتقدنیستم که مسئله ملی درکردستان جدااز پیروزی انقلاب دموکراتیک خلق درسراسرایران قابل حل است وتن دادن به این گرایش ناسیونالیستی جز مخدوش کردن مبارزه طبقاتی تحمیق توده‌هاومنحرف کردن ذهن آنان ازدشمن اصلی خویش ثمری نخواهد داشت . هرکس که به موقعیت استراتژیک منطقه وبه موقعیت کنونی مبارزه طبقاتی درایران اندک آشنائی داشته باشد نمی تواند امیدوار باشدکه خلق کرد می‌تواند خارج ازچهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک به حاکمیت دموکراتیک دست یابد .

درا ینجالازم است اشاره‌کنیم به‌کتابی بنام درباره مبارزه درکردستان " که همه این مواضع حزب دموکرات رادراین زمینه تقلید کرده است (این کتاب رابه دروغ اثر رفیق شهیدچریک فدائی خلق حمیدمومنی معرفی کرده‌و نام اورابای آن نوشته اند . بعلاوه باید توضیح دهیم که این کتاب بی نهایت ژورنالیستی است که مجموعه ای ازوقایع جزئی واطلاعاتی رادرخود جای داده است . پیداست که نویسنده حقیقی کتاب که دیدگاههای ناسیونالیستی داشته ، هوادار دموکراتهابوده ولی بعدا به جریانات دنباله رو چپ روی آورده است) .

دراین کتاب آمده‌است :

" ستم های ملی ومذهبی حتی در کردستان تضاد طبقاتی راتحت الشعاع قرارداده است . به‌این ترتیب هرحرکت سیاسی ـ نظامی باتوجه به این شناخت آغازشده وتضادطبقاتی از کانال تضاد ملی عمل خواهد کرد . " (صفحه ۶۰)

توجیهی بورژوائی ترازاین برای سرپوش نهادن به‌دیدگاههای تنگ‌نظرانه ناسیونالیستی نمی‌توان یافت . دیدگاه ناسیونالیستی کتاب آن رابه موضعی ارتجاعی کشانیده است . نویسنده کتاب درمقایسه جلال طالبانی باملا مصطفی بارزانی جانب ملا راگرفته ونظر به مبارزه‌ای که طرفداران جلال باخوانین داشته اند مشی آنان رامردودشناخته است :

"حرکت ملادرکردستان علیرغم انحرافات وتمایلات ارتجاعی که درآن دیده می شوداز این امتیازبرخورداراست که اولا ازتضادعمده به نحو خوبی استفاده می کند (وعلت ازوله شدن جلال وشکست نهائی اومسلمانادیده گرفتن این تضادعمده است) ثانیا به روابط عشایری وهمبستگی های قومی توجه کامل دارد " . (ص ۶۲)

می بینیدکه چگونه نویسنده کتاب که ازقضا مدعی مارکسیسم نیزهست به آشکارترین شکل ممکن می کوبدچنانچه مساله ملی رادرخدمت مبارزه طبقاتی قراردهیدکارتان زار است . اومارانصیحت می کند مباداگوشش کنید مبارزه طبقاتی مبارزه برعلیه خوانین به مبارزه ملی آسیب برساند .

به دنبال تصویب ولایت فقیه
خیمه شب بازی مجلس خبرگان . . .

بقیه از صفحه ۱

ورفت وآمدهای زائد" خبرگان محترم" خلاص می شدند .

مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که‌درمحیط ترورو وحشت واختناق‌انجام گرفت بالاخره در کاخ " مجلس سنای آریامهری "تشکیل گردید . به‌خون کشیدن تظاهرات مردم حمله واشغال وآتش زدن‌دفاترسازمانهای سیاسی وانجمنهای دانشجویان‌ومعلمین وتعطیل واشغال خانه کارگر وسایر سازمانهای دمکراتیک‌وکتاب سوزان وهمچنین تعطیل وتحریک وتوقیف ۴۴ روزنامه سیاسی بایک حکم بی دلیل دادستان انقلاب اسلامی تهران‌همه اقداماتی بودکه به‌عنوان مقدمات‌گشایش این مجلس می بایست صورت می گرفت وصورت گرفت . روزنامه نگاران خارجی‌به بهانه‌های مختلف ازایران اخراج شدند . لشگرکشی طبق نقشه به کردستان وحمله تبلیغاتی علیه خلق کرددرسراسر ایران انجام گرفت وصدهانفرازبهترین فرزندان خلق درکردستان وسایر نقاط ایران قتل عام شدند . درچنین اوضاع‌و احوالی " خبرگان محترم " باخیال‌راحت در" کاخ سنا " جلوس کردندتابرای مردم ایران قانون اساسی بنویسند . آن انحصار طلبان درپوشش مذهب‌اکثریت قریب به اتفاق کرسی های مجلس خبرگان رابه خود اختصاص داده وحتی نخواستند هیچ نماینده ای ازخلق کرد رادربین خود ببینند .

ازهمان ابتدای تشکیل مجلس خبرگان معلوم بودکه نیت کارچرخانان این است که طرح قشریون وانحصارطلبان رادرموردقانون اساسی پیاده‌کنند . طرحی قربانی هادادند . این اصول اصل حاکمیت خلق وآراء مردم را آشکارا نقض کرده است . اصلی که‌مشروطه‌خواهان ۷۰ سال پیش برای تصویب آن خون داده بودند (هرچندکه طی این مدت هرگزتحقق نیافت) .

مجلس خبرگان حق حاکمیت‌رانه از آن مردم ، کمازآن روحانیون و پیشوایان مذهبی می داند واین امرادر اصل ۵ قانون اساسی که " ولایت فقیه " راتصویب کرده گنجانیده است . "شاهکار" تعزیه گردانان مجلس خبرگان‌درتصویب اصل ۵ یعنی حاکمیت‌مطلق فقیه‌متجلی شده است . ازاین اصل به صراحت مستفاد می گرددکه این مردم نیستند که حق حاکمیت برسرنوشت خویش‌دارند، بلکه این حق ازآن کسانی است که در امور دین خبره هستند . اصل ۵ حکومت کردن راحق ووظیفه آخوندهای عادل و متقی می داند ومی گوید تنهااین قشر هستندکه صلاحیت حکومت‌دارندونه نمایندگان منتخب مردم . یادآورشویم که این اصل به‌قدری ارتجاعی بودکه با مخالفت اکثر نمایندگان غیرآخوند مجلس مواجه شده

کـه می گویند" علماء " بایدناظر بردولت باشندنه خود دولت .

باتصویب اصل ولایت فقیه در حقیقت‌نظام سلطنت به " خلافت " بدل شده است نه جمهوری ، جمهوری تنها نامی است که به دروغ براین رژیم سیاسی نهاده‌اند . ولایت فقیه مردم‌را درحد " مهجورین وصغار" می شمارد وفقیه عادل رابه نیابت آنها ، یعنی ۴۰ میلیون مردم ایران به حکومت‌می‌نشاند . به‌این ترتیب سئوال این است که دیگر چه لزومی داردکه اینهمه دم ودستگاه وجود داشته باشد؟چه احتیاجی است که مجلس شوراورئیس جمهور وهیئت وزیران وغیره داشته باشیم؟ وقتی فقیه هست اومی تواند همه کارهاراباچند نفر دستیار وفرمان بر انجام‌دهد . اوکه بر همه امور اعم ازارضی وسماوی ، دنیوی واخروی ، فیزیکی وشیمیائی ، پزشکی و کشاورزی ، صنعتی وتجاری‌وبالاخره سمعی وبصری و . . . آگاه وتواناست ، همه این امور رایک تنه حل وفصل خواهدکرد وباحذف همه تاسیسات عریض‌وطویل دولتی . ازاسراف بیت المال ، هم صرفه جوئی خواهد کرد .

باگنجانیدن اصل ولایت فقیه درقانون اساسی وبه کرسی نشاندن این طرز تلقی درقانون‌عملا تمام اصول قانون اساسی تحت الشعاع این اصل‌قرار گرفته است . درحقیقت بقیه اصول قانون اساسی یعنی‌کشک . یعنی حرف مفت چراکه همه امور به جانشین امام ودر حقیقت روحانی وعلمای دین محول شده است . روی هراصلی انگشت بگذاریم روح این طرز تلقی از حاکمیت فقیه‌درآن مشاهده می شود . واین درست خلاف آنچیزی است که مردم ماسالهابرای به‌دست آوردن آن مبارزه کردند . مبارزه برای ایجاد حاکمیت خلق . یعنی‌حکومت مردم برای مردم . باتحمیل ولایت‌فقیه به قانون اساسی ، دیگرحاکمیت مردم دربین نیست بلکه به جای آن حاکمیت علمای دین وپیشوایان مذهبی‌حکومت می کند . به عبارت روشن تر ولایت فقیه حکومت فردی فقیه برمردم است . واین آشکارترین وعریان ترین حکومتی است که دردوران ماسماویست بااستبداد فردی ، چیزی که مردم ماسالهاازآن رنج بردند وبالاخره تنهاباقیام‌خودتوانستند آن راسرنگون کنند : بحث درباره مجلس خبرگان واصول تصویب شده محتاج بررسی های وسیعی است که از حوصله این مقاله خارج است وما سعی می کنیم درشماره‌های آینده ، درمحدوده صفحات نشریه ، به‌آن بپردازیم . اما آنچه درپایان این بحث بایدمتذکر شویم‌این است که :

تاریخ به کرات نشان داده است برخلاف تصور کسانی که براریکه قدرت تکیه زده‌اند قوانین هرقدر زوروقدرت هم پشت آن باشدوبه اتکای سرکوب نیروهای انقلابی وبااستفاده ازناآگاهی توده‌ها وفریب آنان امروزبه راحتی بتصویب برسددرصورتی که باشرایط زمان ونیازهای عینی وذهنی‌جامعه وخواست مردم هماهنگ نباشددیری نخواهدپائیدوبااراده مردم به زباله‌دان تاریخ سپرده خواهد شد . وبدیهی است که "خبرگان محترم" ماهم نخواهند توانست باتمام کتکبه وذبدبه وجنت مکانی که برای خود دست وپاکرده اند جلوی این حکم محتوم تاریخ‌رابگیرند .

■ ازهمان ابتدای‌تشکیل مجلس‌موسسان‌معلوم‌بودکه‌نیت‌کارچرخانان این مجلس‌آن است‌که طرح قشریون وانحصار طلبان رادرموردقانون اساسی‌پیاده‌کنند.

■ باتصویب اصل ولایت فقیه ، درحقیقت نظام سلطنت‌به "خلافت" بدل شده است‌نه‌جمهوری ،جمهوری تنهانامی‌است‌که‌به‌دروغ‌بر این‌رژیم سیاسی نهاده‌اند .

■ باتحمیل ولایت فقیه به قانون اساسی ، دیگر حاکمیت مردم دربین نیست حاکمیت درانحصار علمای دین وپیشوایان مذهبی‌است .

که روح شیخ فضل الله نوری‌راشاد کرده ودرصورتی که زنده بود به " طراحان" آن صدآفرین می گفت . این امر اثبات همان پیش بینی ما بود که درمقالات قبلی خود درجریان‌انتخابات مجلس خبرگان به آن اشاره کردیم ونوشتیم که بااوضاع واحوالی که می بینیم متن‌قانون اساسی که درمجلس خبرگان به تصویب خواهدرسید به‌مراتب ارتجاعی تر ازپیش نویس ارائه شده خواهد بود و در جهت تسلط هرچه بیشتر مرتجعین‌قشری وروحانیتی که می کوشد همه چیز رادر انحصار مذهب درآوردحرکت‌خواهدکرد .

خانواده‌های زحمتکشان خواهان یکسان شدن امکانات آموزشی، بهداشتی و ورزشی مدارس جنوب و شمال شهرهستند.

مطبعان پیشگام

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۳۲ صفحه ۸

گرامی باد یاد معلم شهید رفیق هرمز گرجی بیانی

چهل روز ازاعدام رفیق هرمز گرجی بیانی توسط مرتجعین جنایتکار می گذرد ، سال گذشته که موج اعتصابات سراسری تمام میهن مارافراگرفته بود درآغازسالتحصیلی رفیق گرجی بیانی یکی ازگردانندگان اصلی اعتصابات معلمین ودانش آموزان کرمانشاه بودکه نقش عمده ای درمبارزات اعتصابی وسیاسی مردم شهر علیه حکومت دیکتاتوری پهلوی به عهده داشت .

اماامسال ، دربازگشائی مدارس جای این معلم مبارزانقلابی درمیان ادامه دهندگان راه آزادی خالی است ، چراکه ارتجاع حاکم نمی تواند ادامه انقلاب راپذیردونه می تواند وجود افرادی نظیر گرجی بیانی رادرصفوف خلق تحمل کند . این بودکه همزمان بایورش به کردستان وقتل عام خلق کردبایک برنامه ازپیش تعیین شده درساعت ۲/۵ بعدازظهر ۲۷ مردادماه اورانیزازخانه اش بیرون کشیدوصبح روز۲۸ مرداد به جوخه آتش سپرد .

رفیق شهید هرمزگرجی بیانی

رفیق هرمز گرجی بیانی دراسفند ۱۳۲۴ درخانواده‌ای فقیردرمحله سرتپه کرمانشاه متولدشد ، درکودکی پدرش رااز دست داد وازآن پس سرپرستی خانواده اش رابه عهده گرفت .

تحصیلات ابتدائی ومتوسطه خودرا درفقرکامل گذراندوپس ازپایان امتحانات نهایی ششم متوسطه دراستان کرمانشاه ان دررشته فیزیک دانشگاه تبریزبه ادامه تحصیل پرداخت . درسال دوم دانشکده بخاطر محبوبیتی که بین دانشجویان به‌عنوان فردی مبارزداشت ازطرف دانشجویان به‌عنوان نماینده دانشکده انتخاب شد . بخاطر اوجگیری مبارزات دانشجویی رژیم به‌دستگیری دانشجویان مبارز پرداخت وهرمز نیزدستگیروبه زندان افتاد . پس ازاتمام دوره محکومیتش به‌اداره نظام وظیفه معرفی شدوپس از هفت ماه اقامت دربادگان که اکثراً در زندان پادگان گذشت ازسربازی معاف و به دانشگاه برگشت .

بعدازاتمام تحصیل درشهر کرمانشاه به تقاضای خود ش دردبیرستانهای محلات فقیرنشین به تدریس فیزیک پرداخت . درتابستان سال پنجاه مقارن باجشنهای ننگین دوهزار وپانصدساله وبه‌خاطر وحشت رژیم ازافشاگری های عناصر مبارزتوسط ساواک دستگیرورهسپارزندانهای قزل قلعه واوین شد .

پس ازچند سال اززندان آزاد و دوباره به تدریس دردبیرستانهای کرمانشاه وبه افشای رژیم منفور شاه پرداخت ودرارتقاء آگاهی بسیاری از دانش آموزان کرمانشاه سهم به سزائی داشت . درشهریور سال گذشته پس از مدتها فعالیت ، باهمکاری عده‌ای از دبیران ، کانون معلمان کرمانشاه را بنیان گذاشت ونماینده اول معلمان گردید .

دردوره ازهاری پلیس برای دستگیری چندین بارمه خانه اوهجوم بردولی موفق به‌دستگیریش نشد . او دراین مدت اعلامیه‌های کانون رادرمورد دعوت به اعتصابات وتظاهرات وافشاگری تکثیروپخش می کردوخود شخصا در تمامی تظاهرات شرکت فعال داشت. پس ازقیام بهمن ماه نیزکانون معلمان آزادیخواه راتشکیل داد .

بعدازجنگ نقده باجمع آوری کمکهای مالی وداروئی وغذایی به کمک مردم آنجا شتافت .

یکی از آخرین اقدامات رفیق کوشش برای احیاء کتابفروشی هایی بود که توسط عده‌ای ازمرتجعین وابسته به کمیته هاوپاسداران به آتش کشیده شده بود .

سرانجام تلاشهای ارتجاع بعدازسم پاشی های زیاد علیه اوبه ثمر رسید . رفیق رابه اتهام واهی شرکت در جنگ پاوه درساعت ۲/۵ بعدازظهر ۲۷ مرداد ماه ازخانه اش بیرون کشیدند ودرساعت ۱/۵ بامداد ۲۸ مرداد ماه با دستان وچشمانی بازهم آماده رفیق ودبیرمبارز دیگر به جوخه اعدام سپردند وآنها درحالی که شعار می دادند ، به شهادت رسیدند .

یادش گرامی باد

یاد رفیق شهید، فدائی خلق، یعقوب تقدیری گرامی باد

رفیق امیرکه نام اصلی اویعقوب تقدیری قزلجه میدان بود ، درسال ۱۳۳۰ در محله ستارخان شهرتبریزدیده به جهان گشود . دوران کودکی اودرخانواده‌ای زحمتکش گذشت . فضای بسیارصمیمی خانواده ازیک سوواطرافیان ازسوی دیگربه اویک شخصیت والای انسانی بخشید .

صداقت ، شهامت ، فداکاری ، خستگی ناپذیربودن وانضباط کارگری ازخصوصیات بارزرفیق بود .

یعقوب باتوجه به زمینه مستعد مبارزاتی که داشت درسالهای اول دهه ۵۰ به سوی مبارزه مسلحانه کشیده شد ومدتها تلاش کردتا باسازمان چریکهای فدائی خلق ایران رابطه برقرارنماید وهنگامیکه کوشش هایش برای رسیدن به این منظوربه جائی نرسید ، تصمیم گرفت که به فلسطین قهرمان برودتاهم درآنجا بینش سیاسی خودرا بالا برده وکارآئی نظامی پیداکندوهم ازاین طریق باسازمان رابطه برقرارنماید . رفیق در سال ۵۴ روبه فلسطین گذاشت وسه سال تمام درجنگ رزمندگان فلسطین علیه صهیونیسم اسرائیل وامپریالیسم آمریکا شرکت جست ودراین جبهه شایستگی و قهرمانیهای زیادی ازخودنشان داد . رفیق درطول اینمدت مدام تحت تعقیب ماموران سازمان امنیت قرارداشت . رفیق یکبارتوسط پلیس داخلی لبنان که با عناصر فالانژیست دست راستی رابطه تنگاتنگی دارند ، دستگیروشدیدازیرشکنجه قرار گرفت .

رفیق تقدیری پس ازورود به ایران فعالیت انقلابی خودرا دررابطه باسازمان سرگرفت وبه شاخه کردستان معرفی گردید وازاین پس باانتخاب نام مستعارامیرکه از علاقه وی وهمه ما به رفیق امیرپرویزپویان ناشی می شد ، به عنوان مسئول نظامی بخش بوکان شاخه کردستان ، بنحوجدی به کار ادامه داد . درطول این مدت باکارآئی نظامی قابل تحسینی که چکیده وفشرده شرکت چندین ساله وی درمبارزه قهرآمیز با دشمنان خلق فلسطین وهمه خلقهای جهان یعنی امپریالیسم آمریکاوصهیونیسم اسرائیل بود نقش زیادی درتربیت رفقای مادربوکان داشت . امیرشایستگی های بسیارزیادی از خودنشان داد به رفقا بسیارچیزها آموخت .

خاطره اوهرگزازذهن کسانیکه با او کارکردندوهمه آن رفقائی که دوش بدوش اوجنگیدندوازوی درس آموختند ، محو نخواهد شد .

چرا باید دریک کلاس مدرسه جنوب شهر، بیش از ۷۰ محصل درهم بلولند درحالیکه درمدرسه شمال شهر، همان کلاسها ۳۰ شاگرد داشته باشد؟

معلمان پیشگام

خطاهای ما و عوامفریبی های ارتجاع

ارتجاع برای فریب دادن مردم به هر حیله‌ای متوسل می شود . حکومت فعلی که نان ناآگاهی توده‌ها را می خورد ، با ناجوانمردانه ترین دروغ ها وبی صداقتی ها می کوشد تانگذارد مردم ازحقایق مطلع شوند آن ها تهمت ها ودروغ های آشکاررا به هم می بافند تا ذهن توده‌های مردم رانسبت به کمونیست ها وسایرانقلابیون بدبین کنند مثلا اگربخواهیم سیاهه فهرست دروغ هایی را که ارتجاع درموردکشورهای سوسیالیستی به هم بافته است بشماریم مثنوی هفتادمن خواهد شد دروغ های وقیحی که حتی بسیاری ازعناصرو رانده بیش ترطرفدار رژیم سرمایه داری ازگفتن آن ابا دارند چون معتقدند که این دروغ ها آنقدرآشکاراست که مشت خودشان رابازمی کند مثلا آن ها می گویند که درکشورهای سوسیالیستی مردم آنقدر گرسنه اند که اکثراً گدائی می کنند یا هیچ معلوم نیست چرا درتمام این کشورها این مردم گرسنه روزبه روز قوی تروسالم ترمی شوند واین برتری خودرانسبت به جوامع سرمایه داری به نحوکوبنده‌ای به اثبات رسانیده اند ؟

درایران چندماه پیش پرچمدار قهار دروغ های شاخدار علیه نیروهای انقلابی ، حجت الاسلام والمسلمین آقای رفسنجانی بود . اوبخصوص درموقع ترور مطهری نطقی کردوبی شرمی ووقاحت رادرعوامفریبی ودروغگوئی به حداعلا رسانید . اخیراً این وظیفه به شیخ صادق خلخالی سپرده شده است . آنچه که خلخالی بیشرم درباره رفیق شهیددکتر رشوند سرداری گفت وآنچه درباره دشمنان به پاخاسته وجان برکف ارتجاع وامپریالیسم می گویدآنقدرابلهانه است که (به‌نظرخدمتگزاران موذی تر همین رژیم ازجمله افرادی مثل دکتریزدی) به این دردمی خوردکه آبروی اسلام را بیردومردم رانسبت به‌حکومت "بدبین" کند .

اماخطااست اگر هرحمله ارتجاع به‌نیروهای مترقی راتنها به حساب طینت زشت و موذیگری آنها بنویسیم . یک عامل مهم دراینکه تاچه حددروغ وحیله گری ارتجاع درتوده‌های ناآگاه موثر افتدوحکومت بتواند به مرادش برسد آنست که طرف مقابل ارتجاع یعنی نیروهای انقلابی چگونه عمل کنند وتاچه حد مرتکب اشتباه شوند . فالانژهاتماماکمین کرده‌اند تا کوچکترین "کژکی" ازمابگیرندوبه رذیلانه‌ترین شکلی جنجال راه بیندازند وعلیه ماسمپاشی کنند . مثلا روزنامه‌کار چند مدت پیش اشتباهاسندی راچاپ می کندکه توضیحات آن باخود سند مربوط نبود . این خطا که بلافاصله در شماره بعد باتوضیح وپوزش تصحیح شد ماخود اولین کسی بودیم که برای اجتناب ازهرگونه برداشت نابجاتوضیح دادیم که سند مربوط به‌حقوق کارگران ایرانی شرکت مربوطه به جای حقوق کارکنان امریکائی چاپ شده است . اما ارتجاع درکمال بی صداقتی وبی شرمی که خصلت ذاتی آنست چنانچه انتظار می رفت بیکارننشست وبااطلاع یافتن از موضوع شرح کثافی چاپ کردوبه‌درودیوار شهر چسبانیدکه ببینیدفدائیان چگونه دروغ می گویند . ازمرتجعین نمی توان انتظارداشت که عوامفریبی نکنند . ما

بقیه‌درصفحه ۵

بخشی ازپیام دانش آموزان مبارزکرمانشاه به مناسبت اعدام رفیق گرجی بیانی:

درود بی کران خلق به رفیق شهید هرمزگرجی بیانی

● گرامی بادخاطره قهرمانی‌ها وخدمتگزاری های رفیق شهیدگرجی بیانی

دانش آموزان

هرمز گرجی بیانی معلم دلسوز و مبارز انساندوست مارارژیم انقلابی جمهوری اسلامی . تیرباران کرد . ظاهراً به‌جرم دست داشتن درجریانات اخیرپاوه ولی دراصل به‌خاطروحشت ازافشاگری‌هایی که‌گرجی ازمرتجعین وروحانیون ساواکی این شهرمثل آیت الله جلیلی می‌کرد . حاهدروحانیت مرتجع وکوردل کرمانشاه ازشخصیت های انقلابی ومبارزی چون معلم شهید "هرمزگرجی بیانی" به قول خودشان "ضدانقلاب" و"مفسدفی الارض" می سازدودرعوض ازشخصیت های خائن و شناخته شده ای چون "سعیدجعفری" که سالها پادوساواک بوده "قهرمان" می سازد . اوراهمه کاره پاسداران انقلاب می کند وازاوبه عنوان حواني مومن و معتقدیادمی کند .

بقیه‌درصفحه ۵

تلگراف سازمان چریکهای فدائی خلق به جنبش آزادی بخش خلق آنگولا ـ «مپلا» :

گرامی باد یاد رفیق آگوستینو نتو

رهبر انقلابی خلق آنگولا

رفیق نتو فرزند دلیرخلق انقلابی انگولادرگذشت . بدون شک فقدان انقلابیون راستینی چون نتوکه همه نیرو وهستی خود رادرراه آرمان زحمکشان

بقیه‌درصفحه ۴

بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور :

آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟

درصفحه ۵

یکی ازکارمندان اداره نظارت برصادرات مواد نفتی خارک :

آیا ایران به اسرائیل نفت نمی فروشد ؟

درزیرنامه‌ای داریم که توسط یکی از کارمندان اداره نظارت برصادرات مواد نفتی ناحیه خارک ، تلگرافی سرآی رئیس هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران ارسال شده است .

مردم مبارزایران می خواهند بدانند دولت برای برسش این کارمندکه‌نمی‌تواند منافع خلق ایران رانادیده بگیرد ، چه پاسخی دارد ؟ هرچند که رئیس هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران یکبار دیگر هم سئوال نماینده سنریه کارراکه ماهها پیش دریک مصاحبه مطبوعاتی ازایشان شده بود مسکوت گذاشت وبالاخره نگفت که چرا ایران باامریکای جنوبی روابط تجاری دارد ؟

متن تلگراف

تهران ـ جناب آقای نزیه ، ریاست محترم هیئت مدیره ومدیرعامل شرکت ملی نفت ایران . لطفا نفت خام سنگین

بقیه‌درصفحه ۴

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند